



محمد تقی صرفی پور



مقدمه:

حمدوستایش مخصوص خدای یگانه و درود و سلام او بر

بهترین رسولش محمد مصطفی (ص) و آل او...

با توجه به اینکه در زمان کنونی دین اسلام برجهانیان روز به روز آشکارتر میشود لازم است که درباره ی اصول و فروع و دستورات و نواهی اسلام از راههای گوناگون برای تشنگان و جویندگان حقیقت تبلیغ شده که یکی از راهها برای اصول و فروع اسلام و بعضی از مسایل مهم آن به زبان ساده و مختصر است لذا این گردآوری مطلب جدیدی درباره ی اسلام به خوانندگان ارائه نمیدهد الا اینکه مطالب مشروح و گسترده را بصورت مختصر و مجمل آماده کرده است که امید است مرضی حق تعالی قرار گیرد.

۹ آبان ۱۳۷۲

”حوزه علمیه اندیشمک“

اصول دین اسلام:

دین اسلام بر اصولی قرار گرفته که دارای پنج اصل در نزد شیعه شامل:

توحید / عدل / نبوت / امامت / معاد

وسه اصل در نزد اهل تسنن شامل:

توحید / نبوت / معاد است.

توحید و دلایل آن:

توحید: برای خداوند ذاتا یگانه است و هیچ شریکی ندارد و برای اثبات توحید دلایلی آورده اند که مه بعضی از آنها را در این مبحث ذکر میکنیم.

الف: یکپارچگی و هماهنگی موجودات دلالت بر یگانگی خدا دارد.

مشاهدات و تجربیات علمی نشان میدهد که هر یک از موجودات جهان آفرینش در یک مسیر خاص و با هدفی معین حرکت میکنند و همبستگی و هماهنگی وسیعی بین آنها حکمفرماست. این نظم و هماهنگی را میتوان در حرکت دقیق کوچکترین اجزا شناخته شده و نیز در حرکت عظیمترین موجودات جهان مشاهده کرد و کمترین وقفه یا اختلالی در حرکت یکی از کرات موجب از هم پاشیدگی کهکشانیها و بطور کلی منجر به نابودی جهان خواهد شد. همچنان قابل توجه است که این دقت و هماهنگی در گردش ذرات الکترونها نیز وجود دارد. با تامل در همبستگی و هماهنگی در نظام هستی در می یابیم که حرکت همه موجودات و مخلوقات جهان

تنها متجلی از یک اراده می باشد و فقط یک ناظم است که می تواند این نظام را با این دقت و وسعت بوجود آورد.

ب: بی نهایت بودن خدا دلالت بر یگانگی او میکند:

خداوند متعال وجودی بی نهایت است.

بی نهایت به وجودی می گویند که از هیچ بعدی محدود نباشد بنابراین تصور اینکه دو یا چند بی نهایت بتواند وجود داشته باشد غلط است چون بی نهایت اول برای بقیه جایی نمیگذارد .

برای خدا هم که دارای جمع کمالات میباشد و بر همه چیز احاطه دارد چون ذاتش نامحدود و بی نهایت است شریکی متصور نیست.

ج: برهان حضرت علی(ع) در اثبات توحید:

علی ع در نامه ای که به فرزندش امام حسن ع نوشته در رابطه با توحید تصریح کرده است (بدان ای فرزند اگر برای پروردگار تو شریکی می بود پیامبرانی از طرف او می آمدند و آثار و قدرت و سلطنت او را میدیدی و افعال و صفات او را میشناختی در این جمله کوتاه علی ع به دو برهان عقلی درباره ی یگانگی خدا اشاره نموده است

۱. اگر برای خدا شریکی بود آثار قدرت و تسلط او را در ملک وی می دیدیم و با افعال و صفات او آشنا میشدیم یعنی اگر جهان دارای دو مدیر بود بطور مسلم باید آثار دو خدا را در جهان مشاهده می کردیم.

در جهان خلقت دو نقشه و تدبیر می دیدیم در صورتی که همه دانشمندان از پژوهشهای علمی خود خبر از یک تدبیر و نقشه بیشتر گزارش نمی دهند.

۲. اگر برای جهان خدای دیگری بود قطعا برای هدایت بندگان خود پیامبرانی اعزام میکرد و آنان را از تکالیف و وظایفی که درباره آنان مقرر داشته بود آگاه

می ساخت در صورتیکه هیچ پیامبری از طرف چنین خدایی اعزام نشده است و تمام پیامبران آسمانی خود را از جانب خداوند یگانه مبعوث میدانستند.

د: فطرت انسانی دلالت بر یگانگی خدا میکند.

همه دانشمندان اقرار دارند که انسان فطرتاً خداجوست

و یکی از دلایلی که برای این مطلب میتوان آورد این است که بشر هنگامیکه در دام حوادث گرفتار میشود و خود را در مهلکه نابودی میبیند فطرتاً بسوی موجودی کامل و بی نیاز گرایش پیدا میکند و از او استمداد میجوید.

اینگونه حوادث علاوه بر وجود خدا بر یگانگی او نیز دلالت میکند زیرا انسان هنگام گرفتاری در این مهلکه تنها به یک نقطه توجه میکند و فقط از یک مبدا طلب کمک مینماید.

مراتب توحید:

توحید مراتب و تقسیماتی دارد که باید همه این مراحل در یک نفر مسلمان وجود داشته باشد:

الف: توحید ذاتی یعنی خداوند ذاتاً مرکب نیست چون مرکب از اجزاء تشکیل شده است که جزئی برای ترکیب شدن به جزء دیگر نیازمند است در حالیکه خدا بی نیاز است.

ب: توحید صفاتی یعنی صفات خدا عین ذات اوست.

ج: توحید افعالی یعنی خدا در افعال خود شریک ندارد.

د: توحید عبادی یعنی فرد موحد باید در تمام عبادت و افعالش جهت و هدفش فقط خدای یگانه است.

صفات جمال و جلال خدا:

صفات خدا بطور کلی به دو دسته تقسیم میشود:

صفات ثبوتیه / صفات سلبیه

صفات ثبوتیه:

آن صفاتی هستند که در ذات خداوند وجود دارند و میشود آنها را به خدا نسبت داد و خدا را بآنها خواند.

این صفات به ۲ دسته تقسیم میشوند:

۱/ صفات ذات و ۲/ صفات فعل.

صفات ذات آن دسته از صفات ثبوتیه هستند که در ذات خدا وجود آنها به گونه ایست که نمیشود خدا باشد و این صفات نباشد مثل زنده بودن.

صفات فعل به صفاتی گفته میشود که

انصاف خدای متعال به آنها نیاز دارد که فعل او در نظر گرفته شود مانند عدالت خالقیت رازقیت مثلاً رازقیت خدا هنگامی صحیح است که خدا مخلوقاتی داشته باشد و به آنها روزی بدهد.

صفات سلبیه:

چون خداوند از هر نقصی به دور است لذا هر صفت خصوصیتی که از نقص و نیستی سرچشمه بگیرد را نباید به او نسبت داد مثلاً جهل و ناتوانی. جهل از نبود علم و آگاهی سرچشمه میگیرد پس نبود علم نقص است و خدا از هر نقص بدور است پس خدا جاهل نیست.

عدل:

عدل یعنی اعتقاد به اینکه خداوند عالم هیچگاه به مخلوقی ظلم نمیکند و همه افعال او عین عدالت اوست.

عدل به ۲ دلیل بعنوان یکی از اصول مذهب شیعه به اصول دین اضافه شده است.

۱. چون در عصر عباسیان خلفای ستم پیشه برای توجیه اعمال خلاف خود تبلیغ کرده بودند که هر چه خداوند انجام میدهد عین عدل است و جانشینان پیامبر (ص) که خلفا باشند نیز هر عملی انجام بدهند عین عدل است لذا امامان معصوم (ع) در مقابل چنین تبلیغاتی واکنش نشان داده و به شیعیان اعلام نمودند که خداوند عادل است یعنی ستم و ظلم در خدا راه ندارد و اینکه خلفا ظلم می نمایند به خاطر هواهای نفسانی خودشان بوده و نباید در مقابل این مظالم ساکت نشست و باید قیام نمود.

۲. اگر مفهوم ظلم را بشکافیم به این سوال میرسیم که چرا کسی ظلم میکند و میتوان پاسخ داد: کسی ستم میکند که جاهل و نادان است و عالم نیست

سوال میشود آیا ممکن است کسی که عالم است ظلم بنماید؟ پاسخ میدهیم آری کسی که عالم هست اگر نیازمند باشد ممکن است ظلم کند.

سوال میشود اگر کسی را پیدا کنیم که غنی و دارا است و نیازی هم ندارد آیا ممکن است ظلم کند؟ پاسخ میدهیم آری

کسی که عاجز و ترسو است چرا که احساس ضعف و ناتوانی میکند و خلاصه تجزیه تحلیل مفهوم سیاسی ظلم بازگشت به صفات سلبيه خداوند میکند و بهترین واژه ای که صفات سلبيه و ثبوتیه در آن بگنجد (عدل) است یعنی او عالم مطلق است (جاهل نیست) او قدر مطلق است (عاجز نیست) او غنی مطلق است (نیازمند نیست) لذا عدل بعد از توحید جز معتقدات شیعه شمرده میشود.

اصل نبوت و پیامبر شناسی:

اعتقاد به بعثت پیامبران الهی از حضرت آدم(ع)

تا خاتم الانبیا حضرت محمد(ص) بعنوان یکی از اصول دین مبین اسلام است. طبق روایات اسلامی حدود ۱۲۴ هزار پیامبر و رسول از طرف خداوند مامور رساندن پیام الهی بوده اند که ۵ تن آنان اولوالعزم یعنی صاحب دین و کتاب جداگانه بودند که به ترتیب زیر میباشند:

۱. حضرت نوح(ع)

۲. حضرت ابراهیم(ع)

۳. حضرت موسی(ع)

۴. حضرت عیسی(ع)

۵. حضرت محمد(ص)

و بقیه پیامبران مبلغ بوده یعنی کتاب و دین پیامبر خودشان را تبلیغ می نموده اند.

حضرت نوح (ع) نخستین پیامبر اولوالعزم:

نام اصلی نوح در بعضی روایات (عبدالغفار) و در بعضی (عبدالملک) و در بعضی (عبدالاعلی) ذکر شده و علت اینکه او را نوح خواندند کثرت نوحه و گریه آن حضرت بوده است او نخستین پیامبر اولوالعزم بود که خداوند او را با کتاب و شریعتی جداگانه و بسوی همه مردم آنروز مبعوث فرموده بود و کتاب او نخستین کتابیست که مشعل بر شرائع الهی بوده و شریعتش نیز نخستین شریعتها بوده است.

عمر طولانی نوح(ع) در ادبیات عربی و فارسی ضرب المثل واقع شده و تواریخ و روایات ما بین ۱۰۰۰ تا ۲۸۰۰ سال عمر آن حضرت را نقل کرده اند و معجزه نوح در نفس خود او بود زیرا هزار سال عمر کرد در این مدت طولانی نه نیرویش کم شد و نه دندانهای او افتاد.

باتوجه به عمر طولانی و توقف زیاد نوح (ع) در میان مردم و افراد کمی که ایمان آوردند و علاقه زیادی که قوم او به بت پرستی داشتند میتوان حدس زد که این پیامبر بزرگوار چه اندازه اذیت دید و خون جیگر خورد.

گذشته از ناسزاهای زیادی که به او میدادند و دیوانه و گمراه و جن زده اش میخواندند انواع شکنجه بدنی و آزار جسمی را به او می رسانیدند.

در حدیثی که مرحوم صدوق از امام صادق روایت کرده آمده گاهی مردم آنحضرت را به قدری کتک میزدند که سه روز تمام بحال بیهوشی و اغما می افتاد و از گوش او خون می آمد.

چون مدت زیادی گذشت و فقط تعدادشماری به نوح ایمان آوردند و نوح از ایمان ایشان مایوس شد و آنهمه لجاج و عناد و آزار را دید سرانجام درباره ایشان نفرین سختی نمود و خداهم دعای نوح را مستجاب نمود

و به نوح دستور ساختن کشتی را داد.

چون عذاب خدا رسید نوح(ع) بدستور خداوند از هر موجودی جفتی را برداشته و با اصحاب و خاندان خود سوار کشتی شد و در این هنگام آب جوشیدن کرد و آسمان نیز همانند دهانه مشک شروع به باریدن نمود و آب زمین را گرفت.

و پس از غرق شدن همه موجودات و آرام گرفتن سیل کشتی حضرت نوح(ع) بر زمین نشست و نوح(ع) و همراهانش از کشتی فرود آمده و برای آغاز زندگی جدیدی در روی کره زمین شروع به فعالیت کرده و به ساختن خانه و غرس اشجار و تنظیم امور زندگی پرداختند.

حضرت ابراهیم (ع) دومین پیامبر اولوالعزم:

ابراهیم خلیل(ع) از پیامبران بزرگوار است که خدای متعال بیش از سایر انبیا او را در قرآن یاد کرده و با القابی چون حنیف.مسلم.حلیم.اواه.منیب.صدیق وی را یاد نموده است و نام کتاب آسمانی او صحف بوده است.

از جمله الطاف بسیاری که درباره او مبذول داشته این است که او را یکی از پیامبران اولوالعزم خویش قرار داده و نبوت را در ذریه و نسل او گزارده و علم و کتاب و شریعت بوی داده و ملک و هدایت خود را بدو عنایت فرموده و درود و سلام مخصوص خود را بر او فرستاده و خود و خاندانش را مشمول رحمت و برکت خویش ساخته و او را به تنهایی امت واحده خوانده است و خانه کعبه را که بدست توانای او بنا شده بود قبله مردمان جهان کرد.

حضرت ابراهیم(ع) در زمان نمرود زندگی میکرد و چون بت پرستی مردم را مشاهده نمود ابتدا با کمال ملایمت و ادب با منطقی معتدل و تذکرات سودمند به دعوت آذر پدر خوانده خویش و مردم بت پرست شهر خویش پرداخت اما وقتی دید سخنان او در دل آن مردم فریب خورده اثر نمیکند تصمیم گرفت که آن مجسمه های چوبی و سنگی و فلزی را که منشا آن همه بدبختی و عقب ماندگی مردم شده بود در هم شکنند.

و این فرصت هنگامی بدست ابراهیم(ع) افتاد که مردم برای برگزاری عید مخصوص خود عازم خارج شهر شدند پس حضرت ابراهیم(ع) به بهانه بیماری

در شهر ماند و چون شهر خالی شد به طرف بت خانه حرکت کرد و تبری تهیه کرده به بتخانه آمد و بجان بتها افتاد.

همه بتها را شکست و سپس تبر را به گردن بت بزرگ انداخت و رفت

چون مردم برگشتند و این صحنه را دیدند فهمیدند که کار حضرت ابراهیم(ع) بوده لذا شکایت او را به نمرود کردند پس از محاکمه او بدستور نمرود آتش عظیمی فراهم نموده و قرار شد ابراهیم(ع) را زنده زنده بسوزانند.

شعله های آتش از فرسنگها به چشم میخورد و پرنده ای قادر نبود چه از جانب هوا چه از جانب زمین به آنمحوطه نزدیک شود.

در این حال حضرت ابراهیم(ع) را دست بسته در منجنیق گذاشته و به طرف آتش پرتاب کردند حضرت در وسط آتش افتاد که دستور الهی خطاب به آتش صادر شد

که ای آتش بر حضرت ابراهیم(ع) سرد شده و او را سالم بدار.

مردم و تماشاگران دیدند که حضرت آنچنان آرام نشسته که گویی در گلستان استراحت میکند.

نمرود چون نتیجه ای از سوزاندن نگرفت دستور تبعید حضرت ابراهیم را به شام صادر نمود.

پس از استقرار حضرت ابراهیم(ع) در شام حضرت اسماعیل بدنیا آمد و بدستور خداوند حضرت ابراهیم(ع) هاجر و اسماعیل(ع) را به مکه آورد.

اسماعیل(ع) در مکه بزرگ شد تا به سن ۱۳ سالگی رسید و در آنوقت حضرت ابراهیم از طرف خدامامور شد که اسماعیل را ذبح کند و چون حضرت ابراهیم(ع) آماده ذبح شد و کارد را به گلوی او نزدیک کرد خدا امتحان او را قبول کرد و بجای حضرت اسماعیل(ع) گوسفندی فرستاد تا ذبح کرده و عید قربان از همون روز سنت شد.

پس از مدتی خداوند به حضرت ابراهیم(ع) دستور ساختن کعبه را داد و حضرت به کمک اسماعیل(ع) کعبه را ساختند و مناسک و اعمال حج را به مردم یاد داد تا اعمال حج بجا بیاورند که پس از مدتی این اعمال تحریف شد. تا اینکه پس از بعثت رسول اکرم اعمال صحیح حج دوباره بصورت فریضه بر مردم واجب شد.

حضرت موسی(ع) سومین پیامبر او الوالعزم :

در زمانیکه فرعون بر مصر حکومت میکرد شبی در خواب دید که آتشی از جانب بیت المقدس بیامد و خانه های مصر قبطیان را فرا گرفت و همه را سوزانده و ویران کرد و تنها بنی اسرائیل را فرا نگرفت صبح از خواب بیدار شد و منجمان و جادوگران را خواست و خواب خود را برای آنها نقل کرد و تعبیر آن را از ایشان جویا شد آنها بدو گفتند: در میان بنی اسرائیل فرزندی بدنیا خواهد آمد که زوال سلطنت تو به دست او خواهد بود و تو و پیروانت را از این شهر بیرون خواهد کرد و هم اکنون زمان ولایت او رسیده است.

فرعون که این سخن را شنید قابله های مملکت مصر را فرا خواند و به آنها دستور داد هر فرزند پسری که از بنی اسرائیل به دنیا می آید فوری او را به قتل برسانند و اگر دختر بود او را زنده بگذارند .

تا اینکه برای قتل موسی(ع) متجاوز از ۲۰۰۰۰ مولود را بقتل رسانید ولی چون اراده خداوند بر این تعلق گرفته بود که موسی را حفظ کند بوی دست نیافتند.

در روایات آمده است که: عمران پدر موسی (یوکابد) دختر لاوی را به زنی اختیار کرد. و چون خداوند از وی هارون و موسی را بدو داد. البته در روایات اسلامی نام مادر موسی (بوخائید) و (نخیب) و (افاحیه) و (بوخائیل) ذکر شده است.

حضرت موسی ۳ ماه در نزد مادر بود و چون مادر ترسید رازش فاش شود به دستور خداوند او را به دریا سپرد. بدین صورت که صندوقی تهیه کرد و موسی را در آن گذاشت و به دریای نیل افکند. امواج خروشان دریای نیل صندوق حامل موسی را با خود برد.

و مادر موسی روی وحی الهی و وعده ای که خداوند بوی داده بود که فرزندش را به او باز خواهد گردانید با دلی آرام به خانه برگشت.

همسر فرعون بنام آسیه در آن روزها که مصادف با فصل بهار بود از فرعون خواسته بود تا قبه ای برای وی در کنار رود نیل زند که از هوای بهاری کنار دریا مستمتع و بهره مند گردد. فرعون نیز دستور داد قبه ای برای او و همسرش در کنار رود نیل بزنند و در آنجا بسر میبردند.

همسر فرعون منظره زیبای رود نیل را نگاه میکرد که ناگاه چشمش به صندوقی افتاد که اب آن را بجلو میبرد بکنیزان گفت که صندوق را از آب بگیرند.

چون صندوق را به نزد او آوردند نوزادی زیباروی در میان آن دیدند

که به محض دیدار علاقه آن نوزاد در دل همسر فرعون جای گیر شد

و او را در دامن خود گرفته و گفت:

این پسر من است و چون او را در میان آب (مو) و درخت (سا)

گرفتند او را موسی نامیدند و بدین صورت در میان خانه دشمن خود فرعون تربیت یافت.

حضرت موسی کم کم بزرگ شد و در مصر زندگی میکرد تا اینکه روزی در شهر چشمش افتاد و دید یکی از افراد بنی اسرائیل با مردی از فرعونیان به جنگ و

نزاع مشغول است و چون موسی واسطه شد و مثنی بر مرد قبطی زد او از پا درآمد و حضرت موسی از این حادثه به خدا پناه برد. و این خبر به گوش فرعون رسید و او دستور دستگیری حضرت موسی را صادر کرد و موسی مخفی شد

روز بعد باز آن مرد بنی اسرائیل را دید که با شخص قبطی دیگر در بدعوا مشغول است و چون میخواست به کمک آن مرد بنی اسرائیلی برود شخص قبطی گفت: آیامیخواهی همانطور که دیروز شخصی را کشتی خواهی مرا هم به قتل برسانی؟ و در این موقع شخصی که به مومن ال فرعون معروف شده از روی خیرخواهی به حضرت موسی پیشنهاد خارج شدن از شهر راه داد و حضرت موسی نیز از شهر خارج شد.

موسی (ع) در مدین:

موسی(ع) پس از گذشت شبها و روزها و تحمل مشکلات فراوانی بدروازه شهر مدین رسید و زیر درختی مشغول استراحت شدو در آن حال مشاهده کرد که جمعی از مردم شهر برای آب دادن گوسفندانشان در سر چاهی جمع شده اند

ودو نفر دختر نیز دور از جمع ایستاده و منتظرندکه سرچاه خلوت شود تا آب بکشند پس حضرت موسی(ع) بلند شد و برای آنان آب کشید و برگشت و در زیر درخت مشغول استراحت شد.

پس از مدتی یکی از آن دو دختر که کمک نمودن حضرت موسی(ع) را برای پدرش گفته بودبه نزد موسی(ع) برگشت و گفت پدرم تو را خواسته است

حضرت موسی(ع) به خانه آنان رفت و متوجه شد صاحب خانه کسی جز شعیب نیست.

حضرت شعیب پیشنهاد ازدواج با یکی از دخترانش را در مقابل ۱۰ سال چوپانی کرد و موسی(ع) قبول نمود.

وحی الهی به موسی (ع):

پس از گذشت ۱۰ سال حضرت موسی(ع) به همراه خانواده خود به عزم مراجعت به وطن حرکت کرد و در بیابان طور در هنگام شب از دور آتشی دید و به سوی آتش روانه شد و در آنجا بود که خدا با سخن اوگفته و فرمود:

(همانا من خدای یکتا و پروردگار جهانیانم ای موسی من پروردگار توام نعلین خود را چون در وادی مقدس هستی بدر کن و بدان من تو را به نبوت برگزیدم.

پس به این وحی گوش فرا دار من خدای یکتا هستم که معبودی جز من نیست مرا پرستش کن و به یاد من نماز به پا دار قیامت آمدنی است میخواهم آن را آشکار کنم تا هرکسی برای کوششی که میکند سزایبند.

آنکه به رستاخیز ایمان ندارد و از هوای نفس خود پیروی میکند تورا از آن(حق) باز ندارد که هلاک می شوی.

معجزه عصای موسی(ع):

پس خدا فرمود: (این چیست که در دست راست داری)

موسی (ع) عرض کرد:

(این عصای من است که بر آن تکیه میزنم و با آن برای گوسفندانم برگ میتکانم و از آن استفاده های دیگر نیز میکنم)

خدا به موسی(ع) دستور داد عصا را بینداز چون انداخت ناگهان مشاهده کرد به صورت اژدهایی در آمد

حضرت موسی(ع) وحشت کرد و بگریخت ولی خدا به او دستور داد که او را بگیر تا آنرا به حالت اول در آوریم پس موسی(ع) اژدها رو گرفت و دید که عساشد.

خدا دستور داد که دست در گریبان فرو بر و چون موسی دست فرو برد و بیرون آورد نوری خیره کننده از آن برتافت و توجه شد این معجزه دوم است پس خدا به او دستور داد که بسوی فرعون برود که او طغیان کرده است.

حضرت موسی (ع) از خدا درخواست کرد که برادرش هارون را نیز با او در این امر عظیم همراه کند و خدا نیز خواسته او را برآورده کرد.

موسی(ع) در مقابل ساحران:

حضرت موسی(ع) و برادرش هارون با مشکلات زیادی موفق شدند که وارد کاخ فرعون شده و پیام حق را بر وی بخوانند.

ولی فرعون پیام آنها را نپذیرفت و تهدید کرد غیرمرا پرستش کنید به زندانتان خواهم افکند.

در این موقع موسی(ع) گفت من برای ادعای خود حجتی دارم و فرعون در خواست کرد حجت خود را نشان بدهد که حضرت موسی (ع) عصای خود را انداخت و بناگاه بصورت اژدهای عظیم در آمد و دست به گریبان خود برده و نوری از آن برتافت

که چشم بینندگان را خیره کرده و فرعون با دیدن این دو معجزه به اطرافیان خود گفت این سحروجادو است و این مرد جادوگر ماهری است پس مقرر کرد که در روز معین ساحران مصر سحر خود را نشان دهند.

چون روز موعد فرا رسید جادوگران مصر هر کدام سحر و جادوی خود را آوردند که منظره عجیبی به وجود آمد.

صحرائی وسیع دهها و شاید صدها هزارها طناب و چوبها بصورت مارهایی در آمده و جست و خیز میکردند سپس حضرت موسی(ع) عصای خود را انداخت و ناگهان عصا بصورت اژدهایی در آمده و همه مارهای ساحران را بلعید و تماشاگران از هیبت آن اژدها فرار کردند.

ساحران که پی به واقعی بودن اژدهای موسی(ع) بردند همگی به او ایمان آوردند

و فرعون خشمگین شد و دستور داد دست و پای آنها را قطع کرده و بدرختان آویزان کنند.

شهادت آسیه:

آسیه همسر فرعون سالها بود که در دل بخدای یگانه ایمان داشت و ایمانش را پوشیده میداشت بعد از مدتی ایمان خود را آشکار کرد و فرعون هیچگاه انتظار نداشت نزدیکترین شخص به او بخدای بزرگ و دین موسی ایمان بیاورد دستور داد که او را به ۴ میخ کشیدند و سپس او را آنقدر شکنجه کردند که از دنیا رفت.

غرق شدن فرعونیان و نجات موسی و بنی اسرائیل:

چون فرعونیان با موسی و بنی اسرائیل مخالفت کردند و حاضر به هدایت نشدند حضرت موسی درباره آنان نفرین نموده و خداوند آنها را بر عذابهایی مانند :

خشکسالی/طوفان/ملخ/شپش/وزغ/خون/مرگ معذب نمود.

ولی آیات الهی که به صورت عذابهای گوناگون بر فرعونیان فرود آمد سبب بیداری آنها نشد. لذا حضرت موسی مامور شد که بنی اسرائیل را با خود برداشته و

به سوی فلسطین رهسپار شود و چون این خبر به گوش فرعون رسید در صدد تعقیب آنها آمد و خود فرعون به همراهی لشگری که صدها هزار سرباز بودند به تعقیب موسی و بنی اسرائیل پرداخت تا اینکه به کنار دریا رسیدند در این هنگام خداوند به موسی دستور داد عصای خود را بدریا بزند و چون حضرت موسی عصا را به دریا زد ناگهان دریا شکافت و طولی نکشید که کف دریا پدیدار شد و ۱۲ راه پدید آمد و بنی اسرائیل از این راه حرکت نمودند و از دریا گذشتند و فرعونیان نیز در تعقیب آنها وارد دریا شدند چون بنی اسرائیل از دریا خارج شده و تمام لشکریان فرعون در دریا قرار گرفتند بدستور خداوند آب دریا مامور غرق شدن فرعونیان شد.

ناگهان آب دریا به هم وصل شده و همه فرعونیان به قعر دریا فرو رفتند و به ترتیب فرعون و لشکریان از بین رفتند.

موسی در کوه طور:

بعد از این واقعه موسی(ع) بکوه طور رفت تا کتاب تورات را بیاورد وقتی که برگشت مشاهده کرد که مردم بوسیله شخصی بنام سامری گوساله پرست شدند که موسی(ع) خشمگین شد و دستور داد سامری را از اجتماع بنی اسرائیل محروم کنند و گوساله او را سوزاننده بدریا افکند.

بنی اسرائیل متوجه اشتباه خود شدند و توبه کردند.

پس از این حادثه حوادث دیگری چون ۴۰ سال سرگردانی بنی اسرائیل در بیابانها بخاطر پیروی نکردن از حضرت موسی(ع) با قارون و بلعم با عورا و دیدار حضرت موسی(ع) و خضر با یکدیگر و ... که بخاطر اختصار مطلب از ذکر آنها صرف نظر شده است...

نام کتاب آسمانی موسی تورات بوده است و پیروان او را یهود گویند.

حضرت عیسیٰ (ع) چهارمین پیامبر او العزم:

حضرت مریم مادر حضرت عیسیٰ است. مادر حضرت مریم نامش حنه و پدرش عمران بوده است. چون سالها بود خداوند به عمران و همسرش فرزندی نداده بود لذا مادر مریم نذر نمود که اگر خداوند به او فرزندی بدهد او را به خدمتکاری معبد بیت المقدس بسپارد. لذا پس از ولادت مریم او را به نزد زکریا بردند و مریم در نزد زکریا تربیت پیدا کرد.

مریم از نظر زهد و عبادت و پاکی به جایی رسید که هرگاه زکریا بر وی وارد میشد میدید که طعامی نزد وی حاضر است وقتی سوال میکرد این طعام از کجا آمده حضرت مریم میفرمود: از جانب خدا است.

طبق روایتی از رسول خدا نقل شده که از زنان تنها ۴ زن به کمال رسیده اند:

آسیه زن فرعون / مریم دختر عمران / حضرت خدیجه / و حضرت فاطمه .

حضرت مریم در تحت کفالت حضرت زکریا تربیت یافت تا اینکه روزی جبرئیل به او فرمود که بزودی خداوند بتو پسری پاکیزه میدهد و پس از مدتی آثار حمل در

او ظاهر شده و بدین ترتیب حضرت عیسی(ع) بدون آنکه پدری داشته باشد بدنیا آمد. مریم کودک خود را به نزد قوم خود آورد و آنان با دیدن کودک مریم را سوال پیچ کردند که این کودک پدرش کیست و چگونه به دنیا آمده؟

در این موقع بود که حضرت عیسی(ع) در گهواره بسخن آمده بود و فرمود:

من بنده خدایم که مرا کتاب داده و پیغمبر قرار داده و هر کجا که باشم بابرکتتم داده و به نماز و زکات تا زنده ام سفارشتم داده و نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و سلام خدا بر من است روزی که تولد یافته ام و روزی که بمیرم و روزی که برانگیخته شوم .

حضرت عیسی(ع) در میان قوم خود بسر برد تا اینکه در سن ۳۰ سالگی نبوت خود را اظهار کرد.

مهمترین معجزه عیسی(ع):

مهمترین معجزه حضرت عیسی(ع) در دوران زندگی زنده کردن مردگان و شفای بیماران بود که علاج آنها از طریق عادی ممکن نبود.

مثلا روزی حضرت عیسی با حواریون بود و داستان نوح و کشتی را برای آنان نقل میکرد حواریون عرض کردند چه خوب بود کسی را به ما نشان میدادی که خود شاهد آن ماجرا بوده و در آن زمان حضور داشته است حضرت عیسی به کنار تلی آمد و فرمود : این قبر سام بن نوح است

انگاه دعا کرد و سام زنده شده و فریاد زد قیامت برپاشده؟

عیسی فرمود قیامت برپا نشده بلکه من دعا کردم تا خدا تورا زنده کند.

سپس حواریون داستان غرق شدن مردم زمان نوح را از او پرسیدند و او بدانها جواب داد و دوباره به حال خود بازگشت...

نزول مائده اسمانی:

از معجزات بزرگ حضرت عیسی داستان نزول مائده است. حواریون گفتند:

ای عیسی ایا پروردگار تو برای ما مائده ای از آسمان نازل میکند؟

و عیسی از خدا درخواست نزول مائده را نمود و خدا به این شرط که اگر بعد از نزول مائده کسی کافر شود او را عذاب میکنم

برای آنان طعام از آسمان نازل کرد که سفره ای قرمز رنگ که در میان دو قطعه ابر قرار داشت نازل گردید و پیش روی آنها به زمین گذارده شد چون حضرت عیسی سرپوش از روی آن برداشت دیدند ماهی پخته و سرخ شده ای است که روغن از آن میچکد و در آن نان با عسل و زیتون و روغن و پنیر و گوشت پخته نیز قرار داشت.

پس همگی از آن خوردند و بعد از آن مائده یک روز در میان هنگام ظهر نازل میشد و تا عصر بود و سپس به هوا میرفت .

چون عده ای با وجود این معجزه ان را تکذیب کردند ۳۱۳ نفر مرد از آنها بصورت خوک مسخ شده و پس از ۳ روز مردند.

خیانت یهودای اسخریوطی و صعود عیسی(ع) به آسمان:

یاران مخصوص حضرت عیسی که حواریون خوانده میشدند حواریون نام داشتند ۱۲ نفر بودند که پس از صعود حضرت عیسی(ع) به آسمان به میان مردم رفته و آنها را به شریعت ان حضرت دعوت میکردند و همگی در این راه به شهادت رسیدند. تنها در میان این ۱۲ نفر یهودای اسخریوطی بود که خیانت کرده و عیسی(ع) را به بهای اندکی که از یهود دریافت کرده بود تسلیم نمود به اینصورت که چون حضرت عیسی(ع) با پشتکار و دلگرمی عجیبی به کار اشتغال دین خود اشتغال داشت و با نشان دادن معجزات فراوان نبوت خود را به مردم مینمایاند پیشرفت ایین الهی و دیانت روسای یهود را مصمم ساخت تا تصمیم قطعی خود را درباره ان حضرت بگیرند و نقشه قتل حضرت را طرح کرده و امپراطور روم را با خود همراه ساختند.

حضرت عیسی(ع) از تصمیم آنها با خبر شد و به حالت اختفا درآمد ولی یهودا محل اختفای حضرت را به آنها نشان داد اما هنگامی مامورین برای دستگیری ان

حضرت آمدند خدای متعال حضرت را به اسمان بالا برده و آنان شخص دیگری را که شبیه ان حضرت شده بود به دار او یختند.

پس از این حادثه شاگردان و حواریین حضرت شروع به جمع اوری سخنان و معجزات و تعالیم حضرت نموده و انها را مرتب کرده انجیل

نام نهاده شد.

در حال حاضر در میان مسیحیان ۴ انجیل منسوب به ۴ شاگرد حضرت عیسی (ع) مشهور است. شامل:

انجیل متی / انجیل مرقس / انجیل لوقا / و انجیل یوحنا

ولی بنظر میرسد انجیل برنابا منیوب به برنابا از حواریین بزرگ حضرت عیسی به انجیل واقعی نزدیکتر است اگر چه کلیسا ان انجیل را مردود میدارد.

حضرت محمد (ص) بزرگترین پیامبر اولوالعزم:

حضرت محمد آخرین پیامبر و بهترین رسول و سرور انبیا و رسولان خداوند است

پدران او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف و مادرش آمنه بنت وهب بوده است.

پدران پیامبر از ادم تا عبدالله ۵۱ نفر که ۱۷ نفر از آنان پیامبر و ۱۷ نفر اوصیا و ۱۷ نفر حاکم و موحد بودند.

چون آمنه بمدت ۷ روز به پیامبر شیر داده بود با توجه به رسومات ان زمان که بچه را به دایه میسپردند سعادت شیر دادن رسول خدا نصیب زنی بنام حلیمه سعديه شد.

پیامبر در ۶ سالگی مادر و قبل از ولادت و به نقلی پس از ۷ ماه یا ۱۰ ماه از عمر پیامبر پدر خود را از دست داد .

پیامبر در سن ۸ سالگی بود که عبدالمطلب وفات یافت و سرپرستی پیامبر به ابوطالب عموی انحضرت رسید.

پیامبر در سن ۲۵ سالگی با خدیجه که ۴۰ ساله بود ازدواج نمود و همه فرزندان رسول خدا بجز ابراهیم از خدیجه بوده است. خدیجه رادر جاهلیت طاهره میگفتند و نخستین زنیست که به پیامبر ایمان آورد و مدت ۲۵ سال با پیامبر زندگی کرد و در سال دهم بعثت وفات یافت.

فرزندان رسول خدا ۳ پسر و ۴ دختر بودند که عبارتند از:

۱. قاسم که در دوسالگی وفات یافت

۲. زینب که در سن ۲۸ سالگی وفات یافت

۳. رقیه که به عقد عثمان در آمده و در سن ۲۱ سالگی رحلت نمود

۴. ام کلثوم که با عثمان ازدواج نمود و در سال نهم هجرت وفات یافت

۵. فاطمه زهرا که در مکه بدنیا آمده و ۷۵ یا ۹۵ روز بعد احلت پیامبر رحلت یافت و نسل پیامبر تنها از وی باقی ماند و ۱۱ معصوم از دامن مطهر وی پدید آمدند

۶. عبدالله که طیب و طاهر نیز خوانده میشد و در مکه وفات یافت

۷. ابراهیم از همسر دیگر پیامبر بنام ماریه قبطیه که در سال هشتم هجرت در مدینه متولد شده و در سن ۲۲ ماهگی در مدینه وفات کرد.

پیامبر در ۴۰ یالگی به پیامبری مبعوث شد و اولین مردی که به او ایمان آورد
علی(ع) و اولین زن خدیجه کبری بود...

دعوت اشکار پیامبر(ص):

پیامبر تا ۳سال پس از بعثت دعوت خود را علنی ننمود و در این مدت فقط علی(ع) و خدیجه و جعفر و ابوطالب زیدبن حارثه و چند نفر دیگر به پیامبر ایمان آوردند. و پس از این مدت خداوند ایه و انذر عشیرتک الاقربین را نازل کرده و به پیامبر دستور داد و دعوت به اسلام را علنی کند و ابتدا از فامیل و اقوام خود دعوت نماید.

لذا پیامبر ۴۰ نفر از فرزندان عبدالمطلب را به مهمانی دعوت نمود و ضمن دعوت به اسلام فرمود هرکس در این راه مرا یاری کند برادر من و وصی و جانشین من در میان شماست.

پس کسی جواب حضرت را نداد مگر علی(ع) که در سن ۱۳سالگی بود و با پیامبر بیعت نمود.

با دعوت پیامبر به اسلام مبارزه مشرکین علیه پیامبر شروع شده با انواع اذیتها و ازارها سعی در ممانعت در گسترش اسلام کردند و در این راه بسیاری از مسلمانان را شکنجه و بعضی را به شهادت رساندند...

هجرت به حبشه:

کار بجایی کشید که پیامبر دستور داد عده ای از مسلمین به حبشه مهاجرت کنند.

که در دفعه اول ۱۵ نفر و در دفعه دوم ۸۳ مرد و ۱۸ زن به سرپرستی

جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت نمودند.

مشرکین برای بازگرداندن بازماندگان مهاجرین دو نفر را با هدایای فراوانی به نزد نجاشی پادشاه حبشه فرستادند و نجاشی دستور داد جهت مشخص شدن عقاید مهاجرین جلسه ای با حضور علما مسیحی و مسلمانان مهاجر و نمایندگان مشرکین تشکیل شود و در این جلسه جعفر بن ابی طالب شروع به صحبت کرده و به نجاشی گفت که ما قبل از بعثت پیامبر اسلام در گمراهی و تاریکی بوده و دچار فساد زیادی بودیم هنر ما بت پرستی خوردن مردار و زنده به گور کردن دختران و انواع کارهای زشت بود

تا اینکه پیامبر اسلام مبعوث شد و با احکام نجات بخش اسلام ما را از تاریکی و گمراهی در آورد و با اخلاق فاضله بشری آشنا نمود.

سپس آیاتی از سوره ی کهیص را که درباره ی حضرت مریم بود برای نجاشی قرائت نمود که اشک در چشمان نجاشی ظاهر شد و به نمایندگان گفت من هرگز این افراد را به شما تحویل نمیدهم و اینها تا هر زمانی بخواهند در کشور من مهمان میباشند.

بعد از دست خالی برگشتن نمایندگان مشرکین از کشور حبشه مشرکین تصمیم گرفتند عهدنامه ای علیه بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب بنویسند که از آنها زن نگیرید و به آنها زن ندهید چیزی به آنها ندهید و چیزی از آنها نخرید. عهدنامه را نوشتند و در میان کعبه اوختند لذا بنی هاشم مجبور شدند که در شعب ابی طالب ساکن شده و ۳سال در محاصره اقتصادی و اجتماعی مشرکین بسر برند.

معراج پیامبر(ص):

یکی از حوادث مهم زندگی پیامبر معراج است معراج پیامبر ۶ ماه قبل از هجرت اتفاق افتاد در معراج پیامبر بوسیله یک وسیله آسمانی بنام براق شبانه از مکه به بیت المقدس رفته و پس از آنجا به آسمانهای ۷گانه صعود نموده و از عجایب آنجا بازدید نموده و پس از آنجا به بالاترین و نزدیکترین مقام انسان به خدا یعنی سدره المنتهی رفته و با خدا تکلم نمود.

در معراج بود که نمازهای ۵گانه و روزه بر مسلمین واجب شد.

ماجرای هجرت پیامبر(ص):

پس از مدتی عده ای از مردم یثرب به مکه آمده و مسلمان شدند و مقدمات هجرت رسول اکرم به مدینه آماده شد.

تا اینکه مشرکین در دارالندوه تشکیل جلسه داده و تصویت نمودند که ۴۰ نفر از جوانان شجاع از هر قبیله یک نفر شبانه بر پیامبر حمله برده و حضرت را به قتل برسانند.

چون جبرئیل جزئیات این توطئه را بر پیامبر اطلاع داده

و دستور خداوند را مبنی بر اینکه علی(ع) بجای پیامبر در بستر بخوابد و حضرت شبانه مکه را به مقصد ترک کند به پیامبر ابلاغ کرد حضرت رسول پس از ۱۳ سال از بعثت شبانه به مدینه مهاجرت نمودند.

سال دوم هجرت حضرت رسول در مدینه بود که دستور تغییر قبله از بیت المقدس بهخ مکه داده شد و وجوب زکات و نماز عید قربان و عیدفطر و دستور قربانی در این سال اعلام شد.

همچنین در سال دوم هجرت بود که دستور جهاد با مشرکین به پیامبر داده شد و از این سال تا سال دهم هجرت یعنی تا زمان رحلت پیامبر جهنگهای زیادی بین مسلمین و مشرکین پیش آمد که در ۲۷ جنگ شخص پیامبر حاضر بودند که به این جنگهای غزوه گویند و جنگهای دیگری پیش آمد که رسول خدا در آنها حضور نداشتند و به این جنگها سریه گفته شده است.

مهمترین حوادث بعد از هجرت:

مهمترین حوادث ۱۰ سال هجرت پیامبر بشرح زیر است:

۱. جنگ بدر:

در سال دوم هجرت بود که مشرکین با هزار نفر سپاهی در محل چاه بدر با مسلمین که کمتر از ۳۰۰ نفر بودند و از نظر امکانات نظامی بسیار در سطح پایینی قرار داشتند به جنگ پرداختند که نتیجه جنگ پیروزی مسلمین و کشته شدن ۷۰ نفر از سران مشرکین و اسر شدن ۷۰ نفر دیگر بود.

۲. جنگ احد: در سال سوم سوم هجرت بود که مشرکین بقصد انتقام کشته

های خود در جنگ بدر با ۳۰۰۰ سپاهی با امکانات و تجهیزات فراوانی به طرف

مدینه حرکت کردند و در کنار احد محل ملاقات دو سپاه اتفاق افتاد. پیش از جنگ پیامبر ۵۰ نفر از کمانداران را به فرماندهی عبدالله بن جبیر در تنگه احد مستقر کرده و به آنها دستور داد که به هیچ عنوان از جای خود حرکت نکنند و حتی آگه دیدند که مسلمین پیروز شده و در تعقیب دشمن هستند باز از جای خود تکان نخورند. جنگ شروع شد پس از ساعتی مشرکین رو بفرار نهادند و مسلمین بعضاً به تعقیب مشرکین و بعضاً به جمع اوری غنایم پرداختند در این موقع بود که کمانداران تنگه احد با دیدن پیروزی مسلمین تنگه را رها کرده و هر چه فرمانده آنها را نصیحت نمود و دستور پیامبر را یادآوری نمود گوش نکرده و به پایین تنگه سرازیر شدند. باخالی شدن تنگه از کمانداران ۲۰۰ نفر از مشرکین که در پی فرصت بودند وارد تنگه شده و پس از کشتن عبدالله و ۱۰ نفری که با او مانده بودند از پشت به مسلمین حمله کردند و از طرفی شخصی با اسب در میدان حرکت نموده و صدای میزد محمد(ص) کشته شد. این دو عامل باعث شد که لشکر مسلمین دچار شکست ظاهری شوند در این جنگ ۷۰ نفر از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا عموی پیامبر به شهادت رسیدند.

۳. جنگ خندق (احزاب):

در سال پنجم هجرت بود که مشرکین با یهودیان هم پیمان شدند و باده هزار نفر به مدینه حرکت کردند. پیامبر بانظر سلمان فارسی دستور داد خندق اطراف مدینه حفر کنند. مشرکین مدتی مدینه را در محاصره داشتند تا اینکه با کشته شدن عمرو بن عبدود دلاور عرب به دست علی(ع)

و فرستادن خداوند طوفان و باد سخت را به اردوگاه مشرکین ابوسفیان فرمانده آنها دستور عقب نشینی را صادر نمود.

۴. صلح حدیبیه:

در سال ششم هجرت پیامبر با مسلمانان به قصد عمره از مدینه خارج شده و به طرف مدینه خارج شده و به طرفه مدینه حرکت کردند.

در نزدیکی مکه مشرکین از حرکت آنان جلوگیری نموده و پس از مذاکرات قرارداد صلح حدیبیه بین پیامبر اسلام و نماینده مشرکین نوشته و به امضا رسید و قرار شد که مسلمین برگردند و سال بعد برای مراسم حج به مکه بروند و تا ۱۰ سال بین آنها صلح باشد...

۵. نامه به پادشاهان کشورهای دنیا:

بعد از صلح حدیبیه پیامبر نمایندگانی را نزد:

پادشاهان روم (قیصر) / ایران (خسرو پرویز) / حبشه (نجاشی) / اسکندریه (مقوقس) / عمان (جیفر از دی) / یمایه (ثمامه بن اثال) /

بحرین (منذر بن مساوی) / شام (حارث بن ابی شمر) / یمن (حارث حمیری)

فرستاد و آنها را دعوت به اسلام نمود.

قیصر پادشاه روم اسلام آورد.

ولی چون مسیحیان با او مخالف بودند اسلام خود را پنهان نمود.

خسرو پرویز با شنیدن متن نامه پیامبر خشمگین شد و گفت این شخص کیست که مرا به دین خویش دعوت میکند و نام خود را پیش از من مینویسد پس نام پیامبر را پاره کرده و پس از چند روز طبق خبر پیامبر بدست پسرش کشته شد.

نجاشی پادشاه حبشه نام رسول خدا را گرفته و روی چشم گذاشت و از تخت خویش فرود آمد و اسلام آورده و شهادتین بر زبان راند.

حاطب پادشاه اسکندریه نامه پیامبر را گرامی داشت.

منذر پادشاه شام اسلام را قبول نکرد و پیامبر درباره ی وی فرمود پادشاهی وی بر باد میرود

پادشاه عمان و برادرش اسلام آوردند و زکوه پرداختند .

منذر پادشاه بحرین اسلام آورد...

۶. جنگ خیبر:

در سال هفتم هجرت پیامبر با مسلمین بطرف قلعه های یهودیان خیبر حرکت نموده و قلعه های آنان را یکی پس از دیگری فتح نمودند.

در هنگام فتح قلعه قموس دچار مشکل شدند لذا پیامبر پرچم سفید را بدست حضرت علی داد و حضرت علی با کشتن مرحب خیبری دلاور یهودیان خیبر در خیبر را از جا درآورد و به روی خندق انداخته و بدینوسیله مسلمین وارد قلعه شده و قلعه را تصرف کردند

۷. جنگ موته:

در سال هشتم هجری رسول خدا سفیری را به پیش بصری فرستاد ولی همینکه سفیر پیامبر به سرزمین موته رسید شرجبیل غسالی را دستگیر و سپس به شهادت رساند چون خبر به رسول خدا رسید مردم را به جهاد فرا خواند و سه هزار مرد را به فرماندهی زیدبن حارثه فرستاد.

همین که سپاه اسلام به سرزمین موته رسیدند با خبر شدند که پادشاه روم شرقی با صد هزار رومی و صد هزار نفر از قبایل عرب در آنجا فرود آمدند پس در قریه موته جنگ بین سپاه اسلام و سپاه دشمن در گرفت و در این جنگ زیدبن حارثه کشته شد پس جعفر طیار علم را به دست گرفت و او هم پس از نبردی دو دستش را قطع نموده سپس به شهادت رساندند و بعد عبدالله رواجه علم را به بدست گرفت و او هم شهید شد پس خالدبن ولید علم را بدست گرفته و مسلمین را به مدینه برگرداند در این جنگ فرمانده رو میان بدست یکی از مسلمانان کشته شد.

۸. فتح مکه:

هیجده ماه پس از صلح حدیبیه چون مشرکین پیمان را نقض کردند لذا پیامبر با ده هزار نفر از مسلمانان از مدینه به طرف مکه حرکت نموده و بدون اینکه جنگی کند مکه را فتح نموده و ابوسفیان سردمدار مشرکین اسلام آورد. پس رسول اکرم وارد کعبه شده و بتهای مشرکین را که ۳۶۰ بت بودند در هم شکسته و خانه خدا را از پلیدی آنان پاک نمود.

پیروزی در جنگ حنین و غنایم بدست آمده:

۹. جنگ حنین: جنگ حنین زمانی رویداد که قبایل هوازن و ثقیف که

مردمی دلاور بودند با پیامبر مخالفت نموده و باهم پیمان بستند که با رسول خدا جنگ کنند. پیامبر با ۱۲ هزار نفر به طرف محلی آنان در حنین حرکت کرد. هنگامیکه وارد دره حنین شدند مردم هوازن که قبلا در لابه لای درختان و تنگناها و تخته سنگها پنهان شده بودند ناگهان از کمینگاه خود بیرون آمده و لشکر اسلام را تیر باران کردند. چون گروههای اول لشکر اسلام از تازه مسلمان تشکیل شده بود آنان با حمله دشمن فراری شده و بقیه مسلمین نیز پراکنده شدند و فقط ده نفر با پیامبر باقی ماندند که نه نفر از بنی هاشم و دهی زنی بنام ام ایمن بود که از پیامبر دفاع میکردند. علی(ع) در پیش روی حضرت مبارزه کرده و نمیگذاشت کسی به پیامبر آسیبی برساند پیامبر به عباس عموی خود که صدای بلندی داشت دستور داد که پشت سر مسلمین صدا بزند که ای مسلمانان ای پیروان بیعت رضوان ای اصحاب بقره برگردید. پس حدود صد نفر از مسلمانان بصورت پراکنده و تک تک برگشتند. علی(ع) چهل نفر از مشرکین را کشته پرچمدار آنان پا به فرار گذاشتند و مسلمانان به پیروزی رسیده و حدود ۶ هزار اسیر و ۲۴ هزار شتر و ۴۰ هزار گوسفند و ۴ هزار اوقیه نقره غنیمت گرفتند و از مسلمین ۹ نفر کشته شد.

۱۰. جنگ تبوک:

در سال نهم به پیامبر خبر رسید که هر قل سپاه عظیمی گرد آورده و آماده جنگ با مسلمانان شده است پس رسول خدا به مردم اعلان جهاد داده و با اینکه فصل تابستان و موقع رسیدن میوه ها بود مردم از دستور رسول خدا استقبال نموده و حدود ۳۰ هزار نفر آماده شدند تا با رسول خدا رو به طرف تبوک حرکت کنند. پیامبر(ص) علی(ع) را در مدینه جانشین قرار داد و به طرف تبوک رهسپار شد اما وقتی به تبوک رسیدند از سپاهان روم خبری نبود و آنان محل را ترک کرده بودند پس رسول خدا با مسلمین بدون اینکه جنگی پیش بیاید مراجعت نمودند.

ماجرای غدیر:

روز غدیر:

هنگامیکه پیامبر در سال دهم هجرت آخرین حج را بجا آورد و به مدینه مراجعت مینمودند در راه برگشت در محل غدیر خم بدستور خداوند مسلمانان را جمع نموده و ولایت علی(ع) و جانشینی علی(ع) را بعد از خود به مردم با جمله (من کنت مولاه فعلی مولاه): هر کی من ولی او هستم علی ولی اوست

ابلاغ فرمودند و دستور دادند همه حاضرین با علی(ع) بیعت کرده و سلام کنند به حضرت بعنوان(السلام علیک یا امیرالمومنین)

پس همه مردم چنین کردند. چون سن پیامبر به ۶۳ سال رسید بیمار شده و در اثر آن بیماری در ۲۸ ماه صفر سیدالانبیا محمد مصطفی رحلت کردند و گفته اند که این بیماری حضرت درز اثر زهری است که زن یهودیه به پیامبر خوراند

لذا اصحاب گفتند رسول خدا نیز شهید شد.

نام کتاب اسمانی رسول خدا قران مجید میباشد...

اصل امامت:

شیعیان معتقد هستند که بعد از رحلت پیامبر اسلام مقام جانشینی و امامت به علی(ع) و پس از او به امام حسن و سپس به امام حسین و ۹ نفر از فرزندان امام حسین میرسد که طبق سخنان پیامبر گرامی اسلام امامت این بزرگواران از طرف خدا مقرر شده است و اطاعت از آنان لازم بوده و خواهد بود. اکنون به ذکر خلاصه ای از زندگانی این نورهای الهی اشاره میشود...

۱. امیر مومنان علی (ع):

علی (ع) در روز جمعه ۱۳ رجب سال ۳۰ بعد از عام الفیل در میان کعبه معظمه متولد شد پدر ان حضرت ابوطالب پسر عبدالمطلب بوده که با عبدالله پدر حضرت رسول برادر بود و مادر ان حضرت فاطمه دختر اسد فرزند هاشم فرزند عبد مناف بوده است. مدتی پس از ولادت علی (ع) چون وضع مادی ابوطالب بد بود لذا پیامبر گرامی اسلام (ص) علی (ع) را به منزل خود آورده و خود به تربیت او مشغول شد. در سن ۹ سالگی علی (ع) به عنوان اولین مرد قبل از اسلام و در سن ۱۳ سالگی با پیامبر بعنوان جانشین و برادر و وصی او بیعت نمود. از این روز تا زمان رحلت پیامبر اسلام علی (ع) همیشه یاور و یاری کننده پیامبر بود و نمیگذاشت ضرورنچی به پیامبر اسلام برسد.

تا اینکه پیامبر در سال ۱۰ هجرت رحلت کرد.

وباینکه بارها و بارها در زمان حیاتش به جانشینی علی (ع) اشاره کرده بود ولی پس از رحلتش عده قلیلی در محلی بنام ثقیفه بنی ساعده تشکیل جلسه داده و نتیجتا ابوبکر را به خلافت برگزیدند. و پس از دو سال خلافت ابوبکر عمر به خلافت رسید و پس از ۱۱ سال خلافت او عثمان به خلافت رسید و زمانیکه عثمان پس از ۱۲ سال خلافت کشته شد یعنی ۲۵ سال بعد از رحلت پیامبر مردم در خانه علی اجتماع کردند و با حضرت به عنوان خلیفه بیعت کردند و علی بمدت ۵ سال خلیفه بود ولی دشمنان حق و عدالت در این ۵ سال علی را راحت نگذاشته و ۳ جنگ جمل و صفین و نهروان را بپا نمودند و بالاخره در ۱۹ رمضان سال ۴۰ هجری علی ع در محراب عبادت در سن ۶۳ سالگی به دست یکی از خوارج به شهادت رسید و مرقدش در نجف اشرف است.

فرزندان علی(ع): از ازدواج حضرت علی(ع) با فاطمه زهرا ۴ فرزند مبارک بدینا آمد/ امام حسن مجتبی(ع)/ امام حسین(ع) / زینب/ و ام کلثوم

والبته فاطمه زهرا فرزندی در شکم داشت که بر اثر حمله منافقین بخانه علی(ع) بر اثر ضربت درب خانه آن طفل بشهادت رسید و از ازدواج علی(ع) با ام البنین ۴ پسر رشید بنامهای عباس قمر بنی هاشم جعفر عثمان عبدالله متولد شد.

و از ازدواج حضرت با خوله محمد بن حنیفه متولد شد همچنین یحیی فرزند علی از همسر دیگرش بنام اسما بنت عمیس است. محمد اصغر و عبدالله نیز از ازدواج علی با لیلیا دختر مسعود تمیمی متولد شد و عمر اطرف با خواهرش رقیه از ام حبیبیه همسر دیگر علی(ع) ولادت یافتند

اصحاب علی(ع): افراد زیر را اصحاب خاص علی(ع) شمرند:

۱. اویس قرنی ۲. عمار یاسر ۳. اصبع بن نباته ۴. کمیل بن زیاد ۵. قنبر ۶. حجر بن عدی ۷. رشید هجری ۸. زید بن صوحان و صعصعه بن صوحان ۹.

ابوالاسود دلی ۱۰. عمرو بن حمق ۱۱. مالک اشتر ۱۲. محمد بن ابوبکر ۱۳. میثم تمار

۲. امام حسن مجتبی(ع):

امام حسن مجتبی(ع) در شب نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری در مدینه بدینا آمد و مدت ۷ سال با پیامبر بود و پس از رحلت ایشان ۳۰ سال با علی(ع) بود و پس از شهادت علی(ع) به مقام امامت رسید.

مهمترین حادثه زمان امام حسن(ع) صلح بامعاویه بود که بر امام تحمیل شد و بدلیل نداشتن یاران وفادار و در خطر بودن اسلام و اهل بیت بامعاویه قرار صلح امضا نمودند ولی معاویه حتی بقرار داد صلح پایبند نبوده و همه بندهای آن را نقض نمود.

مدت امامت حضرت ۱۰ سال و شهادت امام در ۴۷ سالگی بوسیله زهری بود که معاویه برای همسر امام حسن بنام جعدہ فرستاد و او شیری را که برای افطار حضرت آماده بود بازهر مخلوط نموده و امام را بشهادت رسانید مرقد مطهرش در قبرستان بقیع است.

از جمله نوادگان امام حسن یکی حضرت عبدالعظیم است عبدالعظیم فرزند عبدالله فرزند علی فرزند حسن فرزند زید فرزند امام حسن (ع) است.

و دیگری شهید فخر حسینی فرزند علی فرزند حسن فرزند امام حسن مجتبی (ع) است که در زمان موسی هادی عباسی بشهادت رسید.

۳. امام حسین (ع):

امام حسین در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه بدنیا آمد و تا زمان شهادت برادر بزرگوارش امام حسن ناظر رویدادها و حوادث تلخی بر جهان اسلام بود.

بعد از شهادت امام حسن در سال ۵۰ هجری مقام امامت به امام حسین رسید و این موقعی بود که معاویه زمام خلافت را بر عهده داشت و اگرچه در باطن فاسد بود و دشمن اهل بیت و طهارت بود ولی باتوجه به سیاست و زیرکی که در او بود تا حدودی ظاهر خود را حفظ کرد تا اینکه معاویه در سال ۶۰ هجری مرد و طبق وصیتش یزید فرزند فاسق او بخلافت رسید.

یزید به محض تکیه دادن بر مسند خلافت به فرماندار مدینه دستور داد که امام حسین را احضار کرده با او به نمایندگی از طرف یزید بیعت کند ولی هنگامیکه والی مدینه این دستور را به امام حسین اطلاع داد امام حسین قبول ننمود و فرمود هنگامیکه اسلام مبتلا شد به شخص یزید باید با اسلام خدا حافظی کرد و سپس از طرف مدینه بطرف مکه حرکت نمود.

مردم کوفه پس از اطلاع از مرگ معاویه ناهم های زیادی برای امام حسین نوشتند و حضرت را به کوفه دعوت نمودند و اظهار نموده بودند که با جان و دل در کنار تو آماده جان فشانی هستیم.

مورخین تعداد نامه ها را ۱۲ هزار تا نوشتند...

امام حسین (ع) جهت دادن پاسخ به این نامه ها ابتدا سفیری بنام مسلم بن عقیل را برای ارزیابی وضعیت کوفه به آن شهر فرستاد و سپس خود به طرف کوفه حرکت کرد ولی کوفیان بی وفا با اینکه ابتدا با سفیر امام حسین (ع) بیعت نمودند ولی با تهدیدهای ابن زیاد حاکم کوفه مسلم را تنها و غریب در شهر رها نمودند و از طرفی ابن زیاد لشگری از همین مردم ترتیب داده و برای جنگ با امام حسین (ع) به طرف مسیر امام حسین (ع) فرستاد و امام حسین (ع) با اصحابش در سرزمین کربلا در محاصره لشکر ابن زیاد قرار گرفتند.

با اینکه به حضرت پیشنهاد شد که شما اگر با یزید بیعت کنید صحیح و سالم به مدینه بازگردانده میشوید امام قبول ننموده و فرمودند:

"هیئات منا الذله" (هرگز زیر بار زلت نمیروم) پس جنگ لشکر ابن زیاد به فرماندهی عمر سعد با امام و اصحاب فداکار او که بالغ بر ۷۲ نفر بودند شروع شد و اصحاب باوفای امام حسین (ع) تا آخرین قطره های خون مبارزه نموده و همگی بشهادت رسیدند و همچنین فرزند بزرگ امام حسین (ع) بنام علی اکبر و فرزند ۶ ماهه حضرت بنام علی اصغر (ع) و فرزند ۱۳ ساله امام حسن (ع) بنام قاسم و برادر رشید امام حسین (ع) بنام ابوالفضل و بقیه افراد بنی هاشم همگی شربت شهادت نوشیدند و در اخر لشکرستمکار امام حسین (ع) را مورد حمله قرار داده و فرزند پیامبر را مظلومانه و بآلب تشنه بشهادت رسانده و سرهای شهدا را جدا نموده و بر بدنهای آنها اسب تاختند. و خیمه های اهل و عیال امام حسین (ع) را غارت کرده و سپس آنها را آتش زدند و در اخر همه اهل و عیال امام حسین (ع) را اسیر کرده و ابتدا به کوفه و سپس در شهرها گردانده و بشام نزد یزید برده و پس از اینکه از انقلاب مردم علیه خود ترسید آنها را به مدینه برگرداند است. سن امام حسین (ع) در هنگام شهادت ۵۶ سال بوده است.

اصحاب امام: حبیب بن مظاهر / بریر / سعد بن عبدالله / مسلم بن عوسجه /

/ مسلم بن عقیل / هانی بن عروه / و... بوده اند.

۴. امام سجاد (ع):

امام سجاد (ع) فرزند امام حسین (ع) و نام مادرش شهربانو دختر یزدگرد بوده که حضرت در سال ۳۸ هجری قمری در مدینه بدنیا آمد و عمر شریفش ۵۷ سال بوده است و در سن ۲۲ سالگی پس از شهادت سالار شهیدان در کربلا به امامت رسید.

نام ان حضرت علی و القاب حضرت سجاد و زین العابدین بوده است.

امام سجاد (ع) در زمان خلفای بنی امیه:

۱. یزید ۲. مروان ۳. عبدالملک ۴. ولید بن عبدالملک

امامت مردم رابعهده داشته و در اخر بدست ولیدبن عبدالملک بشهادت رسید. و
مرقدمطهرش در قبرستان بقیع است.

فرزندان حضرت امام سجاد(ع):

امام محمدباقر(ع) / عبدالله / حسن / حسین / زید عمر الاشر /

حسین اصغر / عبدالرحمن / سلیمان / علی / خدیجه / محمد اصغر / فاطمه / ام کلثوم / علیه
بوده اند.

اصحاب حضرت امام سجاد(ع):

یحیی بن ام طویل / ابو خالدکابلی / سعیدبن مسیب / سعید بن جبیر / ابو حمزه ثمالی /
ابان بن تغلب / و فرزدق ذکر شده اند.

امام محمد باقر(ع):

امام محمد باقر در سال ۵۷ هجری در مدینه متولد شده و نام مادر ان حضرت
فاطمه دختر امام حسن و پدرش امام سجاد بوده است درس ۳۶ سالگی به مقام
امامت رسیدند و به مدت ۱۹ سال امامت نمودند و در مدت امامت با ۵ خلیفه اموی:

۱ ولیدبن عبدالملک ۲ سلیمان بن عبدالملک ۳ عمر بن عبدالعزیز ۴ یزید بن
عبدالملک ۵ هشام بن عبدالملک محاصره بودند که در بین خلفا اموی فقط عمر بن
عبدالعزیز خلیفه نسبتا عادل و صالحی بوده و در مدت کوتاه خلافتش با فساد و
تبعیض مبارزه کرد و کلیه اموالی را که بنی امیه بازور گرفته بودند باز پس گرفت

سب علی(ع) را که از زمان معاویه و بدستور او بر منابر گرفته میشد ممنوع نمود و فدک را که خلیفه اول از فاطمه زهرا غصب کرده بود به فرزندان فاطمه پس داد و ممنوعیت نقل و کتاب حدیث را که از زمان عمر ممنوع شد برداشت... با توجه به اینکه در دوران امام پنجم ازادی نسبی برای اهل بیت پیش آمده بود امام پنجم نهایت استفاده از این ازادی نموده و علوم اسلامی را رونق داد بطوریکه محمد بن مسلم شاگرد امام پنجم سی هزار حدیث و جابر بن یزید جعفی ۷۰ هزار حدیث و زراره در همین حدود از امام باقر یاد گرفتند همچنین در دوران امام پنجم برخورد ارا اهل کلام درباره ی وجود خدا و بحث اینکه ایا انسان در بحث خود مجبور است یا اینکه خدا به او اختیار داده و یا حد وسط بین این دو و همچنین فرقه های انحرافی مثل فرقه مرجئه وجود داشت. امام پنجم شاگردان محدث و عالم و متکلم و ماهری در علوم اسلامی تربیت نمود مانند: هشام حکیم/محمد بن مسلم /زراره بن اعین /جابر بن یزید/جعفی و حتی از بزرگان اهل تسنن امثال ابو حنیفه و مالک و شافعی از محضرش استفاده مینمودند. امام پنجم(ع) در سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷سالگی بدست هشام بن عبدالملک بشهادت رسید مرقد مطهرشان در قبرستان بقیع است...

فرزندان امام پنجم: ۱. امام جعفر صادق (ع) / ۲. عبدالله / ۳. ابراهیم / ۴. عبیدالله / ۵. علی / ۶. زینب / ۷. ام سلمه میباشند...

۶. امام صادق(ع):

امام صادق در روز هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری متولد شدند نام مادرش فاطمه مشهور به ام فروه و پدرش امام باقر بوده است.

مدت عمر شریفشان ۶۵ سال بوده که در سن ۳۲ سالگی به امامت رسیدند و به مدت ۳۳ سال امامت شیعیان را به عهده داشت.

خلفای زمان امام صادق هشام بن عبدالملک ولید بن یزید ابراهیم بن ولید مروان حمار سفاح منصور دوانیقی بودند و ۴ نفر اول از خلفای بنی امیه و دو نفر آخر از خلفای بنی عباس بودند.

به علت جنگ بین خلفای بنی عباس و بنی امیه از ادی نسبی برای امام پنجم و امام ششم ایجاد شد که امام پنجم از ان موقعیت استفاده کرده و به نشر و علوم اسلامی پرداخته و این روش را امام صادق ادامه دادند.

بطوریکه شاگردانی که از محضر امام صادق استفاده کردند به ۴۰۰۰ نفر رسید و جهاصد کتاب حدیث در میان علمای شیعه ان زمان متداول بود.

و در زمان امام صادق برخورد ارا به اوج خود رسید و ۴ مذهب اصلی اهل تسنن در این دوره پیدا شدند:

۱./حنفی ها پیرو ابو حنیفه شاگرد امام باقر و امام صادق

۲./مالکی ها پیرو مالک بن انیس شاگرد امام باقر و امام صادق

۳./شافعیها پیرو محمد بن ادریس شاگرد امام صادق

۴./حنبلی ها پیرو احمد بن محمد بن حنبل

فرزندان امام صادق:

۱. امام موسی کاظم(ع)

۲. اسماعیل که بعد از رحلتش فرقه ای بنام اسماعیلیه پیدا شدند.

۳. عبدالله افطح که بعد از شهادت امام صادق ادعای امامت نمود و عده ای پیرو او شدند که مشهور به فطحیه شدند

۴. اسحاق شوهر سیده نفیسه که در مصر مرقدش زیارتگاه شیعیان است

۵. محمد معروف به محمد دیباج

۶. عباس

۷. علی که مرقدش در قم بنام علی بن جعفر مشهور است.

یاران امام صادق(ع):

۱ ابان ابن تغلب / ۲ برید / ۳ محمد بن مسلم / ۴ زراره بن اعین / ۵ لیث بن بختری /

۶ ابو حمزه ثمالی / ۷ صفوان بن مهران / ۸ مومن الطاق

امام صادق در سن ۶۵ سالگی بدست منصور دوانیقی بشهادت رسید و در قبرستان
بقیع مدفون هستند...

۷. امام کاظم(ع):

امام کاظم(ع) در هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری در مدینه به دنیا آمدند نام
مادرشان حمیده و پدرش امام صادق بوده است. مدت عمر شریفشان ۵۵ سال که در
سن ۲۰ سالگی به امامت رسیده و ۳۵ سال امامت را بعهدہ داشتند.

امامت حضرت در زمان خلفای عباسی:

۱ منصور دوانیقی ۲. هادی عباسی ۳. موسی عباسی ۴. هارون الرشید بوده است.
در زمان امام کاظم (ع) استبداد و سختگیری به اهل بیت و شیعیان بیشتر بود به حدیکه یکی از شیعیان برای سوال کردن از امام هفتم درباره مسئله شرعی مجبور شد نیمه شب بطور مخفیانه به در خانه حضرت بیاید و سوال کند. البته با اینکه یکی از شیعیان امام کاظم (ع) علی بن یقظین وزیر هارون بود که در دستگاه خلافت عباسی در حد امکان از شیعیان حمایت مینمود ولی در زمان هارون فشار بر امام به اوج خود رسید و بدستور هارون امام را به زندان افکندند و بنابر قولی ۱۴ سال اواخر عمر امام کاظم (ع) در زندان گذشت تا که در سال ۱۸۳ هجری بدست هارون الرشید بشهادت رسید و مرقدش در کاظمین است

فرزندان امام کاظم (ع):

فرزندان حضرت به ۳۰ نفر ذکر کرده اند از جمله:

۱. امام رضا ۲. فاطمه معصومه ۳. احمد بن موسی بن جعفر (شاهچراغ)

۴. ابراهیم ۵. عباس ۶. قاسم ۷. اسمعیل ۸. محمد بن جعفر (سبزه قبا)

۹. حمزه ۱۰. عبدالله و عبیدالله ۱۱. اسحق ۱۲. زید.

اصحاب امام کاظم (ع):

۱. علی بن یقظین ۲. محمد بن فضل ۳. هشام بن سالم ۴. ابوبصیر

۸. امام رضا (ع):

امام رضا (ع) روز یازدهم ذی قعدة سال ۱۴۸ هجری قمری در مدینه طیبه ولادت یافت نام مادرش سمانه یا نجمه و نام پدرش موسی بن جعفر (ع) بوده است. در سن ۳۴ سالگی به مقام امامت رسیده و مدت ۲۱ سال این مقام را به عهده داشتند.

امام رضا (ع) در زمان دو خلیفه عباسی هارون الرشید و مامون زندگی میکرد بعد از مرگ هارون خلافت به فرزندش مامون رسید و مامون برای محکم کردن

خلافت خود در ظاهر از شیعیان حمایت میکرد و این ظاهر فریبی بجایی رسید که به امام رضا(ع) پیشنهاد ولایت عهدی خود را نمود و بازور و اکراه امام رضا(ع) مجبور شد که ولایت عهدی مامون را بپذیرد.

پس از مدتی که مامون احساس کرد بر عظمت و قرب امام رضا(ع) در نزد مردم افزوده شده تصمیم بر شهادت امام رضا(ع) گرفت و بالاخره در سال ۲۰۳ هجری در شهر طوس امام را مسموم نمود و امام رضا(ع) در سن ۵۵ سالگی در طوس بشهادت رسید. و مدفن حضرتش زیارتگاهش دوستداران و محبان اهل بیت عظمت و طهارت و باعث برکت سرزمین ایران شده و میشود. تنها فرزندش امام محمدتقی معروف به جواد الائمه نهمین پیشوای شیعیان میباشد.

اصحاب امام رضا(ع):

۱/ زکریا بن ادم که در روایت آمده است بخاطر آن که در قم دفن است بلا از اهل قم دفع میشود.

۲/ حسن بن علی بن فضال

۳/ حسن بن علی بجلی

۴/ صفوان بن عیسی

۵/ اباصلت هروی.

۹. امام محمدتقی(ع):

امام محمدتقی(ع) در سال ۱۹۵ هجری قمری در مدینه ولادت یافت مادر مکرمه اش سبیکه یا خیزران و نام پدرش علی بن موسی بوده است و در سن ۸ سالگی به مقام امامت رسیده و بمدت ۱۷ سال امامت شیعیان را به عهده داشتند خلفای معاصر امام محمدتقی(ع) مهمون و معتصم بوده است .

از خصوصیات امام ان است که چون در سن نوجوانی به امامت رسیدند عده زیادی از مسلمانان که با مقام امامت اشنایی نداشتند و نمیدانستند که امامت محدود به سن و محدودیتهای دیگر نیست نسبت به امامتش مردد بودند تا اینکه مامون مجلسی از علمای همه مذاهب تشکیل داده و از امام جواد(ع) سوالات زیادی نمودند که امام به همه آنها جواب داده که مشتمل بر چند هزار مسئله بود و این جلسات باعث از بین بردن هرگونه شک و تردید شد.

امام محمدتقی(ع) در سال ۲۲۰ هجری بدست همسرش ام الفضل به تحریک معتصم عباسی مسموم شده و بشهادت رسید و مرقدش در کاظمین است.

فرزندان امام محمدتقی(ع)

۱. امام هادی / ۲. موسی مبرقع / ۳. حسین / ۴. عمران / ۵. فاطمه / ۶. خدیجه / ۷. ام کلثوم / ۸. حکیمه خاتون

اصحاب امام محمدتقی(ع):

۱. احمد بن ابی نصر / ۲. فضل بن شادان / ۳. حبیب بن اویس طایی / ۴. علی بن مهزیار اهوازی / ۵. محمد بن ابی عمیر

۱۰. امام هادی(ع):

امام هادی(ع) در سال ۲۱۴ در یک فرسخی مدینه در محلی بنام صریا ولادت یافت نان مادرش سوسن سا سمانه مغربیه و نام پدرش امام جواد بوده است.

در سال ۲۲۰ زمانیکه امام هادی در سن ۶ سالگی بودند به درخه امامت رسیده و ۳۳ سال مقام امامت را بعهدہ داشتند.

خلفای معاصر حضرت معتصم و ائق بالله متوکل منتصر مستعین بالله معتز بالله و معتمد عباسی بوده اند و در سن ۴۰ سالگی بدست معتز بالله بشهادت رسیدند و مرقد مطهرشان در سامرا است.

فرزندان امام هادی(ع):

۱ امام حسن عسکری(ع) / ۲ حسین / ۳ محمد / ۴ جعفر کذاب / ۵ علیه

یاران امام هادی(ع):

۱ حسین بن سعید اهوازی / ۲ خیران خادم / ۳ ابوهاشم جعفری /

۴ حضرت عبدالعظیم حسنی / ۵ علی بن جعفر /

۶ ابن سکیت اهوازی.

۱۱. امام حسن عسکری(ع):

امام یازدهم(ع) در سال ۲۳۲ در مدینه ۹ طیبه ولادت یافت. نام مادر ان حضرت حدیث یا ریحانه و پدر بزرگوارش امام علی نقی بوده است .

امام حسن عسکری(ع) در سن ۲۲ سالگی به مقام امامت نائل آمد و بمدت ۶ سال امامت شیعیان را به عهده داشت.

خلیفه معصر امام یازدهم معتمد عباسی بوده که به دستور ان حضرت بشهادت رسید مرقد مطهرش در سامرا میباشد.

همسر امام حسن عسکری(ع) دختر پادشاه روم میباشد که بدست مسلمانان در جنگ اسیر شده و توسط امام دهم خریداری شده و امام هادی(ع) او را به ازدواج فرزندشان امام حسن عسکری(ع) درآورد.
تنها فرزند امام حسن عسکری(ع) مهدی(عج) است.

اصحاب امام حسن عسکری(ع) :

۱. احمد بن اسحاق بن عبدالله

۲. اسماعیل بن علی نوبختی.

۱۲. امام زمان(عج):

امام دوازدهم در سال ۲۵۵ هجری در سامرا ولادت یافتند مادرش نرجس خاتون بوده و پدرشان امام حسن عسکری میباشد. در سن ۵ سالگی بمقام امامت نائل آمد و بدستور خداوند حکیم امام دوازدهم از دیدگان مردم غایب شدند.

ولی بمدت ۷۴ سال از طریق نایبان خاص خود با شیعیان در ارتباط بودند و ۴ نفر
بترتیب وکالت و نیابت خاص امام زمان (عج)

را به عهده داشتند.

۱ عثمان بن سعید عمروی

۲. محمد بن عثمان به مدت ۵۰ سال

۳. حسین بن روح نوبختی بمدت ۲۱ سال

۴ علی بن محمد سمري ۳ سال

که مدت وکالت این ۴ نفر را عصر غیبت صغری میگویند...

وقتی موقع رحلت آخرین نایب خاص امام زمان (عج) علی بن محمد سمري
فرارسید از جانب امام زمان (عج) نامه ای آمد که در آن از ارتحال علی بن محمد
سمري خبر دادند و حضرت اعلام نمود که بعد از رحلت علی بن محمد سمري تا
زمان ظهورش کسی دیگر نیابت خاص حضرت را بر عهده ندارد

و اگر شخصی ادعای نیابت نمود با شیعیان او را تکذیب کنند. از زمان رحلت علی
بن محمد سمري که در سال ۳۲۹ اتفاق افتاد عصر غیبت کبری شروع شده و تا
کنون ادامه دارد... طبق دستورات پیامبر اسلام و نص صریح کلمات امامان
معصوم امام دوازدهم همان شخصیت است که در وقت معینی ظهور نموده و جهان را
پر از عدل و داد خواهد نمود ...

معاد:

هر مسلمانی باید بعد از اعتقاد به توحید به معاد نیز اعتقاد داشته باشد که بعد از
عالم دنیا و مردن همه انسانها عالم دیگری قرار دارد که در آن کلیه انسانها محشور
شده و در پیشگاه خداوند اعمال آنها بررسی شده و به انسانهای نیکوکار پاداش داده
میشود و انسانهای بدکار عذاب مینمایند.

و اگر براستی عالمی ماورای این جهان نباشد آیا میتوان وجدان خود را ارضانمود
که پروردگار جهان عادل است؟

لذا در آیات قران هم اشاره شده است که خدا خداوند خمه موجودات را بسوی خود
برمیگرداند تا به انکه ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند و به عدل و احسان
ثواب و جزا خیر دهد و انانکه کافر شدند و به کیفر کفرشان از حمیم دوزخ و عذاب
دردناک معذب گرداند. "سوره یونس ایه ۶"

این ایه میفهماند که عدالت پروردگار اقتضا دارد که باید رستاخیزی باشد تا هرکس
به نتیجه عمل خود برسد.

مرگ از نظر اسلام:

از نظر اسلام مرگ نیستی و فنانیست بلکه حیات انسان به گونه ای دیگر ادامه
میابد و انسان در حین مرگ با تمام شخصیت و افعیش تحویل ماموران الهی قرار
میگیرد.

و انان روح انسان را دریافت میکنند و من واقعی انسان که همهن روح یا نفس
اوست با مردن فانی نمیشود...

فشار قبر و سوال نکیر و منکر:

ملائکه مامور قبض ارواح هنگام گرفتن جان انسانهای پاگو با تقوی با نرمی و
مالیمت رفتار کرده و بااحترام و سلام جان انها را میگیرند و هنگام گرفتن جان
انسانهای گناهکار و خبیث با خشونت رفتار کرده و با سیلی و کتک جان انها را
میگیرند.

از جمله اعتقاد ما مسلمین یکی فشار قبر است که در شب اول قبر به تناسب اعمال هر کس دچار اذیت و فشار میشود و دوم سوال و جواب دو ملک بنام نکیر و منکر است که از مومن حقیقی و یا کافر حقیقی از عقاید انسان از خدا پیامبر کتاب اسمانی دین و امام سوال مینمایند...

عالم برزخ:

طبق نظر اسلام انسانها بعد مردن تا قیامت زندگی دیگری در عالم برزخ خواهند داشت.

مثلا قرآن درباره شهدا میفرماید:

نپندارید که شهدا مردگانند بلکه زندگانی هستند که در پیشگاه خداوند روزی میخورند.

که طبیعتا مومنین در اسایش هستند و مشرکین در اذیت و عذاب هستند

تا روز رستاخیز فرارسد...

نفخ صور:

قبل از برپا شدن قیامت مرگ تمام اهل آسمان و زمین فرا میرسد که این مردن با دمیده شدن در صور توسط اسرافیل صورت میگیرد و بعد از مدتی دوباره در صور دمیده میشود و با آن مردم زنده شده و از قبر محشور میشوند.

قران میفرماید: و در صور دمیده میشود پس هر کس در آسمان و زمین است از صدای او جان میدهد جز کسی را که خدا بخواهد پس از مدتی بار دیگری در صور دمیده میشود و با آن صدا مردم زنده از قبر برخاسته و در انتظار سرنوشت خود هستند. زمر آیه ۶۷

در روایات است که زمانیکه پروردگار به اسرافیل دستور دمیدن اول را میدهد اسرافیل از ایمان به زمین می آید و لوله ای در آسمان می افتد و اهل آسمان بلرزه در می آیند ولی که به زمین رسید حرکت میکند در بیت المقدس محاذی مکه معظمه و در صور ندا میکند که موتوا بمیرید.

همه میمیرند و نمیماند جنبنده ای مگر اینکه نفسهایشان قطع میگردد به عنوان مثال آمده که بعضی در بازار مشغول دادوستد هستند همانجا می افتند.

بعد خداوند میفرماید که خود اسرافیل هم بمیرد

انگاه کسی جز خدا زنده نمیماند پس از این نفخه مدتی میگذرد که نفخه احیا و زنده شدن و بر پا شدن قیامت دمیده میشود.

اسرافیل ندا میکند ای ارواحیکم از بدنهای بیرونید. ای بدنهای پراکنده شده ای گوشت و استخوانهای پوسیده و موهای پراکنده و متفرق شده همه برگردید و جمع شوید برای حساب بشتابید برای حساب پس آنچه از بدنهای در زمین است به واسطه زلزله شدید بیرون میریزد و ذرات بدن به هم پیوسته و روح در آن دمیده میشود.

یکدفعه همه می ایستند اما منظره و گفتار اشخاص فرق میکند.

نیکوکاران که سر از قبر بیرون می آورند خدا را شکر میکنند که به وعده خود وفا نمود و قیامت را بر پا کرد تا ایشان پیدایش نیکوئیهایشان برسند برخی دیگر هم بیچره ها فریاد و احسرتا بلند میکنند ناله میکنند که چه کسی ما را از قبرهایمان بلند

کرد در حالیکه یک پایشان در قبر است و یک پای دیگر بیرون ۳۰۰ سال به حالت بهت و حیرت میمانند و این مقدمه عذاب آنهاست...

روز قیامت:

روز قیامت یا رستاخیز انسانها مقارن با رستاخیزی در مجموع جهان افرینش است و اممیخته با یک دگرگونی عظیم و ناگهانی در سراسر نظام کائنات میباشد.

در استانه قیامت زلزله عظیمی رخ میدهد که بسیار گیج کننده و هیجان آور است و اثر این زلزله همه کرات بهم خورده و خورشید و ماه و ستارگان بی فروغ گشته و در یک واقع یک تحول و انقلاب در جهان مادی رخ میدهد و همه چیز طوری در هم کوبیده میشود که شدت آن قابل تصور نیست...

نامه اعمال:

پس از اینکه همه انسانها با همین جسم و روح دنیوی محشور میشوند در دادگاه عدل الهی اعمال همه افراد بررسی میشود. به هر شخص نامه عمل که در واقع کارنامه او میباشد میدهند.

کسانی که نامه عمل خود را در دست راست میگیرند در واقع نشان سعادت و خود را گرفته اند و دوست دارند دیگران هم نامه اعمال ایشان را ببینند و بخوانند.

و کسانی که نامه اعمال آنها به دست چپ آنها داده میشود که نشانه شقاوت و بدبختیست و ضمن ناراحتی ارزو میکنند که ای کاش این نامه را نمیدیدیم و یا از من فاصله میگرفت.

صراط. پل صراط. بهشت یا جهنم:

منظور از صراط مستقیم در دنیا همان رام مستقیم است که راه خدا و راه پیامبر و ۱۲ امام (ع) و شهدا و صالحین است.

و پل صراط در قیامت پلیست که روی جهنم کشیده شده و از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است و باید همه انسانها از روی انعبور کنند.

بهشت جایگاهيست در عالم آخرت و دارای نعمتهای فراوان که خداوند برای انسانهای مومن و با تقوا قرار داده است.

جهنم جایگاهيست که در عالم آخرت که دارای عذابها و بلاهای گوناگون است و برای انسانهای کافر و گنهکار بوجود آمده است...

شفاعت:

در روز قیامت پیامبران مخصوصا پیامبر اسلام و امامان و علما و صالحین نزد خدا از گنهکاران با ایمان شفاعت میکنند.

پیامبر میفرماید: اجازه داده میشود که فرشتگان و شهدا شفاعت کنند آنان شفاعت میکنند و هرکس راکه ذره ای ایمان در قلب او باشد از آتش جهنم بیرون می آورند.

فروع دین:

اسلام علاوه بر اصول دین از احکام دیگری نیز تشکیل شده که برای تک تک مسلمین لازم الاجرا بوده و کسانی که به سن تکلیف رسیده اند باید به این وظایف عمل نمایند و منکر احکام ضروری اسلام از نظر اسلام کافر است .

نماز:

نماز وظیفه الهیست که طبق آیات و روایات به عنوان بازدارنده انسان از اعمال زشت و بد بوده و ستون و پایه دین بوده و اگر در روز قیامت نماز انسان قبول شود بقیه اعمال هم پذیرفته شده

و اگر نماز مورد قبول قرار نگیرد بقیه اعمال هم رد میشود..

مبطلات نماز:

۱. مکان غصبی بوده و صاحب آن راضی نباشد
۲. در نماز حدث اصغر مثل بول یا غائط از او صادر شود یا در نماز بخوابد
۳. مثل اهل تسنن دستها را روی هم برسینه و شکم بگذارد
۴. بعد از خواندن حمد امین بگوید
۵. عمدا روی لرگرداند یا پشت به قبله نماید
۶. در نماز کلمه ای بگوید که از دو حرف بیشتر باشد
۷. در نماز عمدا خنده باصدا کند
۸. عمدا با صدای بلند برای دنیا گریه کند
۹. کاری که صورت نماز را برهم میزند انجام دهد مثل دست زدن و به هوا پريدن
۱۰. خوردن و آشامیدن
۱۱. شک در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی
۱۲. عمدا یا سهوا یکی از ارکان نماز را کم زیاد کند.

ارکان نماز:

۵ چیز در نماز رکن است یعنی اگر کم و زیاد شود چه عمدا چه اشتباها نماز باطل است:

۱. نیت / ۲. تکبیره الاحرام / ۳. قیام متصل به رکوع / ۴. رکوع / ۵. دو سجده

نماز آیات:

نماز آیات به واسطه ۴ چیز واجب است:

کسوف/خسوف/زلزله/رعدوبرق وبادهای سیاه و سرخ اگر بیشتر مردم بترسند.

دستور نماز آیات:

دو رکعت است و در هر رکعت ۵ رکوع دارد و دستور ان این است که انسان بعد از نیت تکبیر بگوید و یک حمد و سوره تمام بخواند و سپس رکوع رود و بعد از رکوع دوباره یک حمد و سوره تمام بخواند و بعد رکوع رود تا ۵ حمد و سوره و رکوع سپس به سجده رفته و بعد از ۲ سجده بیاستد و همین عمل را در رکعت دوم تکرار کند و بعد از رکوع پنجم به قنوت رفته و سپس نماز را تمام نماید و یا اینکه حمد را بخواند و سپس بگوید (بسم الله الرحمن الرحيم) و به رکوع برود و بایستد و بگوید (قل هو الله احد) و بر رکوع برود و بایستد و بگوید (الله الصمد) و به رکوع برود و بایستد و بگوید (لم یلو و لم یولد) و به رکوع رود و بایستد و بگوید:

(ولم یکن له کفوا احد)

و به رکوع رفته و سپس سر از رکوع برداشته و نماز را ادامه دهد و در رکعت دوم هم به همین نحو عمل کند...

نماز وحشت:

اگر مومنی از دنیا رفت و او را دفن کردند مستحب است شب اول دفن او مسلمانان دو رکعت نماز وحشت بطریقه زیر بخوانند:

در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه ایه الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره (ان انزلناه) را بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند:

"اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها الی قبر فلان"

و بجای کلمه فلان اسم میت را بگویند.

نماز شب:

از نمازهایست که بسیار بر انجام آن تاکید شده و بر پیامبر واجب بوده است.

وقت آن از نیمه شب شرعی تا اذان صبح میباشد و ۱۱ رکعت میباشد بدین صورت که ۴ دو رکعتی به نیت نماز شب میخواند و سپس یک دو رکعتی به نیت نماز شفع که در رکعت اول آن سوره ناس و در رکعت دوم آن سوره فلق را میخواند.

و بعد از این ده رکعت یک نماز یک رکعتی بنام وتر است که بعد از حمد ۳ بار سوره توحید و یکبار سوره فلق و یکبار سوره ناس خوانده و سپس به قنوت رفته برای ۴۰ مومن طلب امرزش کرده و سپس ۷۰ بار استغفار نموده و ۳۰۰ بار بگوید العفو العفو و ۷ بار بگوید: هذا مقام العائذ بک من النار

و سپس نماز را در همان رکعت تمام کند...

نماز غفیله:

مستحب است بعد از نماز مغرب ۲ رکعت نماز به نیت نماز غفیله خوانده شود بدین طریق که در رکعت اول بعد از حمد این ایه را بخواند:

(و ذالنون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادى فى الظلمت ان لا اله الا انت سبحانک انى کنت من الظالمين فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذالك ننجى المومنین)

و در رکعت دوم بعد از حمد بجای سوره این ایه را بخواند:

(و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما فى البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا يعلمها و ال حبه فى ظلمات الارض و لا رطب

و لا يابس الا فى كتاب مبين)

و در قنوت ان بگوید:

(اللهم انى اسالك بمفاتيح الغيب التى لا يعلمها الا انت ان يصلى على محمد و ال محمد و ان تفعل بى كذا و كذا)

و بجای کلمه کذا و کذا حاجتهای خود را بگوید و سپس ادامه دهد

(اللهم انت ولى نعمتى و القادر على طلبتى تعلم حاجتى فاسالك بحق محمد و ال محمد عليه و عليهم السلام لما قضيتها لى)

نماز شبهای دهه اول ذی الحجه:

مستحب است در ده شب اول ماه ذی حجه بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز به نیت نماز شبهای دهه اول ذی حجه بخواند که در رکعت اول و دوم بعد از حمد و سوره این آیه شریف را بخواند

(وواعدنا موسی ثلثین لیله و اتمنا بعشر فتم میقات لیله و قال موسی لآخیه هرون اخفنی فی قومی و اصلح و ل اتتبع سبیل المفسدین) آیه ۱۴۱ سوره اعراف
که هر کس این دو رکعت را بخواند در ثواب حاجیان شریک است...

نماز عید فطر و قربان:

نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام معصوم واجب عینیست و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام زمان (عج) غایب است و میتوانند آنرا به قصد رسیدن ثواب به جماعت بخوانند.

دستور نماز عید فطر:

نماز عید فطرو قربان ۲ رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید ۵ تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رفته و سپس ۲ سجده بجا آورد و برخیزد و در رکعت دوم ۴ تکبیر با ۴ قنوت بگوید و بعد از قنوت چهارم تکبیری بگوید و به رکوع و سجود رفته و نماز را تمام کند در قنوت نماز عید هر ذکری بخواند کافیهست ولی بهتر است این دعا را به قصد ثواب بخواند:

(اللهم اهل الکبریا و العظمه و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمه و اهل التقوی و المغفره اسالک بحق هذا الیوم الذی جعلته المسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و اله ذخرا و شرفا و کرامه و مزیدا ان تصلى علی محمد و ال محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیہ محمدا و ال محمد صلواتک علیه و علیهم اللهم انی اسالک خیر ما سالک به عبادک الصالحون و اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک لمخلصون)

نماز امام زمان:

مستحب است دو رکعت نماز بنیت نماز امام زمان در ایام سال خصوصا در روزهای جمعه خوانده شود و به این کیفیت که در رکعت اول سوره حمد را شروع کرده و وقتی که به ایه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) رسیدیم ان را ۱۰۰ بار تکرار کنیم و سپس حمد و سوره را تمام نموده و به رکوع رفته و ۷ بار

(سبحان ربی العظیم و بحمده) میگوییم و سپس به سجده رفته و در هر سجده ۷ بار (سبحان ربی الاعلی و بحمده) میگوییم و رکعت دوم به همین منوال میخوانیم و بعد از نماز به سجده میرویم و ۱۰۰ بار صلوات میفرستیم.

نماز جمعه:

نماز جمعه عبادتیست همچون نمازهای دیگر که در ظهر روز جمعه با شرایط خاص انجام میشود و در فضیلت این نماز همین بس که سوره ای از قرآن به این نام آمده و در آن مومنان را به حضور در نماز جمعه دعوت نموده است.

دستور نماز جمعه:

دو رکعت که بجای نماز ظهر خوانده میشود در رکعت اول بعد از حمد مستحب است سوره جمعه را خوانده و سپس به قنوت میروند و در رکعت دوم پس از حمد سوره منافقین را خوانده و به رکوع رفته و سپس قنوت گرفته و بعد به سجده رفته و نماز را تمام مینمایند و قبل از این دو رکعت دو خطبه باید توسط امام جمعه خوانده شود و لازم است نماز جمعه به جماعت خوانده شود و نباید این جماعت از ۵ نفر کمتر باشد...

نماز قضای پدر و مادر:

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است اگر پدر و مادر نماز و روزه خود را بجا نیاورده باشند بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگشان بجا بیاورد یا برای آنها اجیر بگیرد.

یعنی به شخصی متدین پول بدهد تا این اعمال را بجا بیاورد و اگر والدین پسر نداشته باشند و دارای دختر باشند تکلیفی بر گردن دختران نیست اگر چه آنان میتوانند این نماز قضا هارا بجا آورند.

روزه:

روزه در اسلام آن است که انسان برای فرمان خدا از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل میکند خودداری نماید...

مبطلات روزه:

۹ چیز روزه را باطل میکند:

۱/جماع

۲/خوردن و اشامیدن

۳/استمنا

۴/رسانیدن غبار به حلق

۵/ دروغ بستن به خدا و پیامبر و جانشین پیامبر

۶/فرو بردن تمام سر در آب

۷/باقیمانندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

۸/اماله کردن باچیزهای روان

۹/استفراغ عمدی

کفاره روزه:

اگر مسلمان مکلف در ماه رمضان عمدا روزه خود را بدون عذری بخورد و یا یکی از مبطلات روزه را عمدا بجا آورد کفاره بر او واجب میشود یعنی علاوه بر قضای آن روزه باید یا ۶۰ روز روزه بگیرد و یا ۶۰ فقیر را سیر کند و اگر روزه خود را با یکی از اعمال حرام باطل کند مثلا در ماه رمضان شراب بخورد کفاره جمع بر او واجب میشود یعنی باید ۶۰ روز روزه بگیرد و ۶۰ فقیر را سیر کند و قضای آن یک روز هم بجا بیاورد.

روزه های مستحب:

روزه های مستحب در تمام سال به شرح زیر است:

روز عید نوروز/

روز ۲۵ و ۲۹ ذی قعدة/

روز اول تا نهم ذیحجه/

عید غدیر/

روز اول و سوم محرم الحرام/

روز ولادت پیامبر در ۱۷ ربیع الاول/

روز مبعث پیامبر در ۲۷ رجب/

تمام ماه رجب و شعبان/

پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه/

۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه

روزه های حرام:

۲روز در سال روزه حرام است: ۱/عید فطر و ۲/عید قربان
و روزه در روز عاشورا حرام نیست ولی مکروه است.

خمس:

چون خداوند زکات را بر پیامبر و فرزندانش حرام نموده لذا برای آنها خمس را مقرر فرموده و کسیکه یک درهم از آن را ندهد از جمله غاصبین و ظالمین حق سادات شمرده است.

از امام پنجم روایت شده که برای احدی حلال نیست که از مال خمس نداده چیزی بفروشد یا بخرد مگر اینکه اول حق ما را بدهد.

در ۷ چیز خمس واجب است:

۱/منفعت / ۲/معدن / ۳/ گنج / ۴/ مال حلال مخلوط به حرام / ۵/ جواهری که به واسطه غواصی بدست می آید.

۶/ غنیمت جنگ / ۷/ زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

۱ منفعت کسب:

هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسبهای دیگر مالی بدست آورد چنانچه از مخارج سال خود و عیالش زیاد بیاورد باید خمس آن را بپردازد یعنی یک پنجم آن را بدهد و انسان نمیتواند در مالی که یقین دارد خمس آن را نداده اند تصرف کند تا زمانی که خمسش را بپردازد و اگر کسی از مال خمس نداده است لباسی بخرد یا خانه ای تهیه کند و یا فرشی بخرد نماز خواندن او در این لباس و یا خانه و بر روی این فرش اشکال دارد

۲ معدن:

اگر از معدنهای طلا و نقره سرب مس آهن نفت زغال سنگ فیروزه عقیق نمک و معدنهای دیگر چیزی به دست آورد در صورتیکه بعد از کم کردن مخارج به ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار برسد باید خمس آن را بدهد

۳ گنج:

گنج مالیست که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پنهان کند و طوری باشد که به آن گنج بگویند و چنانچه این گنج بعد از کم کردن مخارج به ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار و یا مثقال طلای سکه دار برسد لایه به خمس آن را بدهد

۴ مال حلال مخلوط به حرام:

اگر مال حرام با مال حلال مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از هم تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن هیچ کدام معلوم نباشد باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس بقیه مال حلال میشود

۵ جواهری که به واسطه غواصی بدست می آید:

اگر به واسطه غواصی در دریای لولو و مرجان یا جواهر دیگر به دست آید چنانچه بعد از کم کردن مخارج قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد باید خمس آن را بدهند و اگر چند نفر آن را بیرون آورده باشند هر کدام آنها که قیمت سهمش به ۱۸ نخود طلا برسد فقط او باید خمس بدهد

۶ غنیمت جنگ:

اگر مسلمانان به امر امام با کفار جنگ کنند و اموالی به دست آورند باید پس از کسر مخارج و خارج کردن چیزهایی که مخصوص امام است خمس بقیه را بدهند

۷ زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد:

اگر کافر ذمی که زیر حمایت دولت اسلام است زمینی از مسلمان بخرد باید خمس آن را از همان زمین بدهد

زکات:

زکات از جمله ضروریات دین مبین اسلام بوده و کسانی که ان را انکار کنند در حکم کفار شمرده میشوند و از ائمه معصومین روایت شده که کسی که یک قیراط از زکات را نگه داشته و رد نکند از مومنین و مسلمین محسوب نمیشود و همچنین کسی که زکات ندهد و بمیرد نصرانی یا یهودی مرده است و زکات مرگ سخت و بلا را از انسان دور میکند.

قران میفرماید:

بدرستی که زکات برای فقرا و مساکین و جمع کنندگان زکات و جهت جلب دوستی و ازاد کردن بندگان و در مورد قرض داران و در راه خدا و مسافری که پولش را از دست داده مصرف شده و واجبی است از طرف خدا و خدا دانا و حکیم است. زکات ۹ چیز واجب است:

گندم/ جو/ خرما/ کشمش/ طلا/ نقره/ شتر/ گاو/ گوسفند

چنانچه کسی مالک یکی از این ۹ چیز باشد و به نصاب معین برسد با شرایط مذکور باید زکات ان را بدهد تا استفاده انها برایش حلال باشد.

نصاب غلات:

زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب میشود که به مقدار نصاب برسند و نصاب ان ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم میشود

اگر گندم و جو و خرما و انگور از اب و یا نهر ابیاری شود زکات ان ده یک است یعنی از هر ده کیلو یک کیلو باید زکات بدهد و اگر با دلو و مانند ان

ابیاری شود زکات ان بیست یک است.

نصاب طلا:

طلا دو نصاب دارد نصاب اول زمانبست که کسی ۲۰ مثقال شرعی طلا داشته باشد که ۱۵ مثقال معمولی میشود باید $\frac{1}{40}$ ان را زکات بدهد

و نصاب دوم زمانبست که فرد ۲۴ مثقال شرعی و یا ۱۸ مثقال معمولی طلا داشته باشد باید $\frac{1}{40}$ انرا زکات بدهد و همچنین است هرچه بالا رود یعنی اگر ۳ مثقال دیگر اضافه شد $\frac{1}{40}$ انرا زکات بدهد و اگر ۲ مثقال یا کمتر اضافه شد اضافه زکات ندارد.

نصاب نقره:

نقره ۲ نصاب دارد نصاب اول ان ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر به این حد رسید باید $\frac{1}{40}$ ان را زکات بدهد که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است.

نصاب دوم ان ۲۱ مثقال است یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود باید زکات تمام ۱۲۶ مثقال را به طوریکه گفته شده بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود فقط باید زکات ۱۰۵ مثقال ان را بدهد و زیادی ان زکات ندارد و همچنین است هرچه بالا رود...

نصاب شتر:

شتر ۱۲ نصاب دارد:

۱. پنج شتر که زکات ان یک گوسفند است.
۲. ده شتر که زکات ان دو گوسفند است.
۳. پانزده شتر که زکات ان سه گوسفند است.
۴. بیست شتر که زکات ان چهارگوسفند است.
۵. بیست و پنج شتر که زکات ان پنج گوسفند است.
۶. بیست و شش شتر است که زکات ان یک شتر که واردسال دوم شده باشد.
۷. سی و شش شتر است که زکات ان یک شتر که واردسال سوم شده باشد.
۸. چهل و شش شتر است که زکات ان یک شتر که واردسال چهارم شده باشد.
۹. شصت و یک شتر است که زکات ان یک شتر که واردسال پنجم شده باشد.
۱۰. هفتاد و شش شتر که زکات ان ۲ شتر که داخل سال سوم شده باشند.
۱۱. نود و یک شتر که زکات ان ۲ شتر که داخل سال چهارم شده باشند.
۱۲. صد و بیست و یک شتر و بالاتر از انست که باید چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا یک شتر بدهد که وارد سال سوم شده باشد یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتری بدهد که وارد سال چهارم شده باشد.

نصاب گاو و گوسفند:

گاو دارای دو نصاب است:

۱. سی راس که زکات آن یک گوساله است که لااقل وارد سال دوم شده باشد
۲. چهل راس و که زکات آن یک گوساله ماده است که لااقل وارد سال سوم شده باشد.

گاو دو نصاب دارد: اول آن چهل تا و زکات آن یک گوسفند است

نصاب دوم ۱۲۱ گوسفند است و زکات آن دو گوسفند است

سوم ۲۰۱ که سه گوسفند زکات دارد

چهارم ۳۰۱ که چهار گوسفند زکات دارد

پنجم ۴۰۰ به بالا که در هر صد تا یک گوسفند زکات دارد

زکات گاو و گوسفند و شتر دو شرط دارد:

۱. حیوان در تمام سال بیکار باشد
۲. در تمام سال از علف بیابان بخورد پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را علف چیده شده بخورد زکات ندارد.

مصرف زکات:

انسان باید زکات را در یکی از ۸ مورد مصرف کند:

۱. فقر

۲. مسکین یعنی کسی که از فقیر فقیرتر باشد

۳. مامور جمع اوری زکات

۴. اشخاص کافری که اگر به آنها زکات بدهند مسلمان میشوند یا در جنگ به مسلمانان کمک میکنند

۵. خریداری غلامان و ازاد کردن آنها

۶. قرضداری که نمیتواند قرض خود را بدهد

۷. در راه خیر مانند ساختن مسجد یا بیمارستان

۸. مسافر در مانده.

زکات فطره:

بر تمام مسلمان واجب است که روز آخر ماه رمضان پس از افطار فطریه خود و عیال و فرزندان و مهمانان و کسانی که نانخور او محسوب میشوند را بدهد و مقدار آن را برای هرنفر سه کیلو گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج است.

مصرف فطره همان مصرف زکات است و باید در یکی از ۸ مورد مصرف شود ولی غیر سید به سید زکات نمیتواند بدهد.

حج:

حج از ارکان دین بوده و البته ترک آن از گناهان کبیره است و حج بر کسیکه شرایط آن را داشته باشد واجب میشود.

از مهمترین شرایط و جوب حج:

استطاعت مالی و جسمی است یعنی اگر کسی از نظر مالی به اندازه ای برسد که بتواند خرج سفر حج و نفقه خانواده خود را در این مدت و همچنین مخارج خود و خانواده خود را تا مدتی پس از سفر داشته باشد مستطیع است و همچنین باید از نظر جسمی قادر به مسافرت برای حج باشد.

پس بر مریض و کسیکه نمیتواند با ماشین یا هواپیما مسافرت کند حج واجب نیست.

کسیکه بر او حج واجب شود و به علی به حج نرود و بمیرد باید ولی مرده برای او نایب بگیرد تا از طرف آن شخص حج بجا بیاورد

حج بر انسان در مدت عمرش در صورتیکه شرایط را دارا باشد فقط یکبار واجب است و کسیکه یکبار حج واجب را بجا آورده میتواند دوباره به حج رود یا برای دیگری نایب شود.

اعمال حج واجب:

کسیکه میخواهد حج واجب را بجا آورد باید در ماه رجب یا شوال یا ذی حجه از یکی از مکانهای پنجگانه:

ذوالحلیفه / عقیق / حجه / یلملم / قرن المنازل احرام بسته سپس داخل مکه شود و کعبه را ۷ بار طواف کند و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم خواند بعد ۷ بار سعی بین صفا و مروه نموده سپس طواف نسا را با دو رکعت نماز ان بجا می آورد بعد از این اعمال همه چیزهایی که بر او حرام شده بود حلال و عمره اش تمام میشود.

در روز هشتم ذی حجه بعد از ظهر برای حج احرام بسته و به طرف عرفات حرکت کرده و از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات بسر برده و سپس به طرف مشعرالحرام حرکت کرده و شب را تا صبح در انجا بوده و سپس روز عید قربان به منی رفته و رمی جمره عقبی را انجام داده و سپس شتر یا گاو یا گوسفندی نحر و ذبح نموده و موهای سرش را از ته میزند و زنها فقط ناخنها را کوتاه میکنند و به مکه آمده و طواف حج را با دو رکعت نماز انجام میدهد

و سعی بین صفا و مروه نموده و طواف نسا را با دو رکعت نماز ان انجام داده و به منی برای رمی جمرات میرود و شب یازده و دوازدهم در منی بسر برده و در این دوروزه رمی جمره اولی و وسطی و عقبی را انجام میدهد سپس به مکه برگشته و طواف خانه خدا و طواف نسا را با سعی بین صفا و مروه انجام داده و بدینگونه اعمال حج تمام میشود.

اعمال و اشیایی که در ایام حج و احرام بر حاجی حرام میشود:

شکار هر گونه پرنده و حیوانات

هرگونه لذت جویی جنسی از زنان. استمنا

وقوع عقد ازدواج برای خودش یا دیگری

استعمال بوی خوش حتی کافور / پوشیدن لباسی که در آن خیاطی صورت گرفته برای مردان حتی کمر بند / سرمه مالیدن / نگاه کردن در آئینه / پوشیدن آنچه روی پا را میپوشاند مثل جوراب یا کفش برای مردان. /

گنجان کبیره مثل دروغ. غیبت. فخر فروشی. / بحث و جدال با اسما خدا مثل نه به خدا قسم / کشتن حشرات که بر روی بدن مینشینند مثل شپش. / پوشیدن انگشتر برای زینت. / روغن مالی بدن مثلاً به موهایش روغن بزند. /

اصلاح موهای سر و بدن حتی یک تار مو. /

پوشاندن مرد سزش را ولو به گل و حنا باشد. /

پوشاندن زن صورتش را نقاب و مثل آن. /

نصب سایه بان بالای سر مردان. /

خارج کردن خون از بدن ولو با مسواک کردن مقداری خون بیاید. /

کندن همه ناخنها یا بعضی از آن را از دست و پا /

کندن دندان ولو خون نیاید

کندن درختان و علفهایی که در حرم مکه روئیده اند. /

پوشیدن سلاح مثل شمشیر و خنجر مگر در ضرورت.

امر به معروف و نهی از منکر:

از مهمترین و شریفترین آنها امر به معروف و نهی از منکر بوده که به واسطه این دو واجبات دیگر انجام میگردد و وجوب این دو از ضروریات دین بوده و انکار کننده ان از کافرین میباشد.

قران میفرماید:

شما مسلمین بهترین امت در میان ملتها هستید که امر به معروف و نهی از منکر نموده و به خدا ایمان آورده اید...

و از امام رضا روایت شده که پیامبر فرموده اند:

هنگامیکه امت من امر به معروف و نهی از منکر را رها کرده پس به جنگ با خدا برخاسته اند.

هرچه که عقلا و شرعا واجب است مسلمان انجام دهد باید به ان امر نمود و هرچه که عقلا و شرعا بر مسلمان حرام است باید به ان نهی نمود.

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است اگر عده ای به انجام ان اقدام نمودند از بقیه ساقط میشود...

کسیکه که امر به معروف و نهی از منکر می نماید باید در اکثر موارد مثل پزشک مهربان عمل کرده و نیتش را فقط برای رضایت الهی قرار داده و اعمالش را از هوای نفسانی و غرضهای شخصی خالص نماید و تصور نکند که ادم خوبی است و نسبت به شخص مرتکب خلاف برتری دارد...

شرایط امر به معروف و نهی از منکر:

الف: شرط است که شخص امر و نهی کننده به درجه ای از شناخت و آگاهی برسد که قادر باشد عمل معروف و فعل منکر را تشخیص دهد

ب: احتمال تاثیر بدهد.

ج: معصیتکار قصد تکرار عمل خود را داشته باشد.

د: ضرر و مفسده ای در امر به معروف و نهی از منکر نباشد مثلا گاهی افشا یک گناه باعث از هم پاشیدن خانواده ای و یا فتنه یا فساد می شود که ضررش از ان گناه بیشتر است.

دفاع:

دفاع در اسلام دو نوع است:

۱. دفاع از سرزمین اسلامی

۲. دفاع از ناموس و مال و جان خود و بستگانش.

دفاع از سرزمین اسلامی:

اگر مرزهای اسلامی یا سرزمین مسلمانان مورد تعرض دشمن قرار گرفت بر همه واجب است به هر وسیله ای که ممکن است چه بامال چه باجان از آن دفاع نماید و این وجوب دفاعیاز به اجازه امام معصوم یا نایب خاص عام او ندارد بلکه بر هر مکلفی واجب است و هیچگونه قید و شرطی به این وظیفه عمل نماید.

دفاع گاهی با اسلحه میباشد و گاهی دفاع اقتصادی و سیاسی است مثلا از طریق خریدن وسایل و کالاهای دشمن و استفاده نکردن از آنها و ترک معامله و مراوده و رفت و آمد دشمن دفاع صورت میگیرد. و چنانچه اجانب به یکی از دولتهای اسلامی حمله نمودند بر همه دولتهای اسلامی واجب است که به هر وسیله ممکن از او دفاع نمایند .

و اگر بعضی از مسئولین و روسا دولتها و نمایندگان آنان با دشمن ارتباط داشته و موجب نفوذ سیاسی و اقتصادی اجانب را فراهم نمایند به طوریکه به اسلام ضربه ای وارد شود از نظر اسلام خائن بوده و از مقام خودشان در هر پستی که بوده باشد معذول میگرداند.

دفاع شخصی:

چنانچه سارق و یا غیر او بر انسان حمله نموده که او را بکشد واجب است به هر وسیله ممکن ولو با کشتن او دفاع نماید و تسلیم و قبول ظلم جایز نیست .

همچنین واجب است دفاع بر انسان چنانچه کسی یا شخصی بر فرزند یا پدر یا برادر یا وابستگان دیگر حتی خدمتکار انسان حمله نمود که ای را بکشد ولو اینکه منجر به قتل مهاجم شود.

اگر مهاجم بر مال انسان یا مال همسران انسان حمله نمود جایز است که او را دفع کند به هر وسیله ای که ممکن است ولو به کشته شدن مهاجم منجر شود/

در دفاع لازم است که مراحل دفاع در نظر گرفته شود

یعنی اگر مهاجم با تذکر منصرف شود باید فقط به ان اکتفا نمود و اگر منصرف نشد مگر با تهدید و داد و فریاد بر ان اکتفا کند و اگر فقط با حمله دفع شود باید له ان اکتفا نمود ولی اگر با کشتن دفع شود جایز است باهر وسیله و سلاحی که باشد او را بکشد.

اگر مهاجم با یکی از مراحل مذکور دفع میشد ولی انسان افراط و زیاده روی نمود مثلا بداند او با فریاد منصرف میشد ولی انسان ضربه ای بر او وارد کند ضامن است و باید دیه بدهد همچنین اگر مهاجم حمله کرد و انسان میتوانست فرار نموده و کار به کشتن نکشد باید فرار کند. اگر مهاجم به قصد به کشتن او یا وابستگان او حمله نمود دفاع واجب است ولو اینکه بداند دفاعش سودی ندارد.

ولی نباید تسلیم شود اما در مورد اموال دفاع به این صورت مذکور واجب نیست.

اگر مهاجم را دستگیر نمود حق زدن و یا مجروح کردن ان را ندارد و اگر این عمل را انجام دهد ضامن است .

اگر مردی را با همسرش دید که عمل نامشروع انجام میدهند و بداند که همسرش هم راضی است میتواند هر دو را بکشد و گناهی بر گردن او نیست.

احکام کلی اسلام:

احکام کلی اسلام به ۵ دسته تقسیم میشوند:
واجب / مستحب / حرام / مکروه / مباح

واجب: دسته ای از احکام اسلامی بر مکلفین واجب هستند یعنی باید آنها را عمل نماید و ترک آن موجب معصیت است.

حرام: دسته ای از احکام اسلامی بر مکلفین حرام هستند یعنی نباید آنها را عمل نماید و انجام آن موجب معصیت است.

مستحب: دسته ای از احکام اسلامی مستحب هستند یعنی انجام دادن آن موجب ثواب است و ترک آن موجب معصیت نیست.

مکروه: دسته ای از احکام اسلامی مکروه هستند یعنی ترک آن موجب ثواب است و انجام آن موجب معصیت نیست.

مباح یا جایز: دسته ای از احکام اسلامی مباح یا جایز هستند یعنی ترک و انجام آن موجب ثواب یا عقاب نمیشود.

هبه و هدیه در اسلام:

هدیه به معنای مالک کردن دیگری را بر مال و جنسی است و به ۲ نوع تقسیم میشود: ۱. هبه با عوض / ۲. هبه بدون عوض

هدیه بدون عوض:

انسان میتواند از مال خود به اشخاصی هدیه بدهد بدون آن که شرط کند عوض بگیرد و فقط بعنوان ثواب هدیه میدهد و اگر شخص هدیه گیرنده فامیل خونی انسان باشد مثل:

پدر/مادر/فرزند/دایی و ... اگر چه پشیمان شد نمیتواند هدیه را پس بگیرد.

و اگر شخص هدیه گیرنده فامیل خونی نباشد مثل رفیق انسان اگر هدیه دهنده پشیمان شد تا زمانی که ان هدیه باقی است میتواند هدیه را پس بگیرد

و اگر هدیه باقی نمانده باشد و یا استفاده شده باشد نمیتواند رجوع کند یا قیمت ان را پس بگیرد.

هدیه با عوض:

گاهی انسان به شخصی هدیه ای می دهد و منظورش هم ثواب است و هم شرط میکند عوضی هم بگیرد که در صورت قبول هدیه توسط هدیه گیرنده باید او هم عوضی برابر شرط مذکور بدهد تا مالک ان هدیه شود...

واقف:

وقف فضیلت زیاد و پاداش فراوان دارد از امام صادق روایت شده که فرمودند: مرد بعد از مرگش اجری پشت سر ندارد مگر به ۳ خصلت: صدقه ای که در زمان حیاتش به راه انداخته است.

که بعد از مرگش جاری باشد و روش هدایتی که او را سنت نموده است و بعد از مرگش مورد عمل باشد و فرزند صالحی که برایش دعا کند.

منظور از وقف ان است که منافع و استفاده های ملک و یا مال و یا جنسی را در راه خیر قرار دهد مثل اینکه زمین را برای مسجد وقف کند و یا ساختمانی بسازد و ان را به عنوان مسجد وقف نماید که اگر به صورت صحیح وقف انجام شد دیگر کسی حق در تملک آوردن ان را ندارد و در تملک کسی فرار نمیگیرد.

وقف ۲ نوع است: الف/وقف خاص و ان وقفی است که برای شخصی و یا اشخاص باشد مانند بر اولاد و ذریه اش و یا بر شخصی و ذریه اش.

ب/وقف عام و ان عبارتست از وقف بر جهت و مصلحت عموم مانند مساجد و پلها و کاروانسراها یا بر عنوان عام مثل فقرا و یتیم ها و مانند اینها. در چند مورد جایز است که فروش و یا انتقال در وقف انجام شود.

اول: وقفی که خراب شود بطوریکه اعاده ان به حالت اولش ممکن نباشد و هیچ راهی جز فروش و استفاده از پول ان در همان راه خیر نباشد مثل حصیر کهنه شده. دوم: استفاده بردن از ان مقرون به صرفه نباشد مثلا خانه ای موقوفه ای خراب شود و فقط به مقدار کمی از ان استفاده نماید که اگر فروخته شود امکان دارد با پول ان خانه دیگر خریداری و مورد استفاده قرار گیرد. سوم: واقف در وقفش شرط کند که در صورت پایین آمدن منفعت ان یا زیادی مخارج ان فروخته شود. چهارم: جایی که بین صاحبان وقف اختلاف زیادی بیافتد که با چنین اختلافی شاید کار به تلف اموال و نفوس برسد که با فروش موقوفه این اختلاف حل میشود.

صدقه:

دستورات زیادی از پیامبر و امامان معصوم بر استحباب صدقه و تشویق بر آن وارد شده است .

پیامبر فرموده است به درستی که خدا که غیر از او خدایی نیست هر اینه به واسطه صدقه بیماری آتش سوزی و غرق شدن و خراب شدن و دیوانگی و (۷۰ باب از بدی را شمردم دفع میکند)

و آمده است امام سجاد

دستش را موقع دادن صدقه میبوسید به حضرت گفته شد برای چه میبوسید؟

فرمود: صدقه به دست خدا میرسد قبل از آن که به دست سائل برسد.

سید میتواند به سید و غیر سید صدقه بدهد و غیر سید به سید صدقه واجب مثل زکات و فطره نمیتواند باشد ولی صدقه مستحب را میتواند به سید بدهد.

اگر کسی به فقیری صدقه داد نمیتواند آن را پس بگیرد اگر چه غریبه باشد صدقه به اشخاصی که در فامیل مستحق میباشند الویت دارد بر صدقه به غریبه و صدقه به همسایه فقیر اولویت دارد بر غیر همسایه

و صدقه در روز جمعه و ماه رمضان و روز عرفه ارجهیت خاصی بر روزهای دیگر دارد...

وصیت:

هنگامی که آثار مرگ در انسان ظاهر شد لازم است که وصیت کند و اگر اموال مردم از قبیل ودیعه و مال التجاره و ... دزدش هست به صاحبانش برگرداند و همچنین باید آنچه از حق خدا به گردنش است مثل قضای نمازها و روزه ها و کفارات و ... را ادا کند و اگر حق الناس برگردنش است برای جاب رضایت اقدام کند و اگر خودش نمیتواند و برای او امکان انجام این وظایف نیست باید وصیت کند که وصی او اموالش را به صاحبانش باز گرداند و قرضها و ضمانات و ودیعه هایی که به گردنش است و خمس و زکاتی و کفاراتی که به گردنش آمده را ادا کند. و نمازهای قضا و روزه های قضا و واجبات بدنی دیگر را برای او انجام دهند.

و وصیت اگر به واجب مالی باشد مثل ادای قرضهای او یا ادای خمس و زکات و مظالم و کفارات که همه اینها به هر اندازه ای که باشد باید از اصل مال ادا شود و همچنین اگر واجب بدنی مثل حج باشد و به واسطه نذر حج بر او واجب شده باشد باید از اصل مال خرج شود ولی اگر وصیت به نماز و روزه و کارهای مستحبی مثل اطعام فقرا و انجام زیارات و عزاداری و ... باشد

از ثلث یک سوم مال او انجام میشود و اگر هزینه این وصیتها از یک سوم بیشتر باشد باید وارثین اجازه بدهند و اگر اجازه ندهند وصیت به بیشتر از یک سوم ان باطل است...

قسم خوردن:

قسم خوردن به این معناست که قسم بخورد حتما این کار را انجام میدهم و یا این فعل را ترک میکنم چنانچه با شرایط صحیح انجام گیرد لازم الاجرا بوده و در صورت تخلف از قسم باید کفاره بدهد یعنی ۱۰ فقیر را اطعام کند و یا به ۱۰ فقیر لباس بپوشاند و اگر نتوانست هیچ یک را بجا بیاورد باید ۳ روز روزه بگیرد.

قسم فقط با اسامی مخصوص خدا مثل:

خدا/ الله و یا صفات مخصوص به خدا مثل:

مقلب القلوب و الابصار / یا قسم به خدایی که جانم در دست اوست / یا قسم به خدایی که دانه را شکافت و همچنین صفاتی که معمولا برای خدا بکار میرود مثل:

رب/ خالق/ باری/ رازق / رحیم صحیح است بنابراین اگر به غیر این صفات قسم بخورد قسم او منعقد نشده لذا کفاره بر گردن او در صورت شکستن قسم واجب نیست و منعقد نمیشود قسم به پیامبر اسلام و امامان امامزادگان و قران کریم و کعبه مشرفه و سایر مکانهای مقدس...

نذر:

نذر ان است که: انسان خود را ملتزم کند عملی را برای خدا ونحو مخصوصی بجا آورد.

انواع نذر:

الف) نذر مجازات:

یعنی نذر کند که اگر خدا این نعمت دنیوی و یا اخروی را به من داد این عمل را برای او انجام میدهم مثلاً:
اگر خدا فرزندی به من داد برای خدا گوسفندی قربانی مینمایم یا اگر موفق شدم به حج بروم برای خدا این عمل را انجام خواهم داد

ب) نذر بلا:

یعنی نذر نماید اگر خدا این بلا را از من دور کند برای خدا این عمل را انجام خواهم داد مثلاً اگر خدا فرزندم را شفا داد این عمل را انجام خواهم داد

ج) نذر زجر:

یعنی اگر من این عمل حرام یا مکروه را بجا آوردم به عنوان تنبیه خودم این کار را برای خدا میکنم مثلاً (اگر یکبار دروغ بگویم برای خدا ۳روز روزه میگیرم)

نذر مستحبی:

یعنی نذر کند من دوست دارم برای خدا روزه بگیرم بدون اینکه مشروط به شرطی باشد .

لازم است موقع نذر صیغه ان به نحو صحیح گفته شود.

و صیغه نذر بنحو زیر است:

(برای خدا بر من است که این عمل را انجام دهم) بدون شرط

یا(برای خدا بر من است اگر خدا فرزندم را شفا داد این عمل را انجام دهم)

که با شرط است

و اگر نذرش بدین شکل نباشد ادای ان واجب نیست مثلا بگوید :

نذر میکنم اگر به حج بروم ۳ روز روزه بگیرم بلکه ادای ان مستحب میباشد و چنانچه کسی به نحوه صحیح نذر نمود باید به ان عمل کند مگر امکان عمل به ان از بین رود و چنانچه عمدا عمل نکرد باید کفاره بدهد یعنی ان دوماه روزه بگیرد یا ۶۰ فقیر را اطعام کند.

شکار و ذبح حیوانات:

شکار حیوانات و پرندگان فقط با ۲ چیز حلال است:

الف) شکار با اسلحه

ب) شکار به وسیله سگ شکاری

خصوصیات اسلحه شکاری:

شکار با سلاح منحصر است در وسایلی که به واسطه تیزی برنده است و مثل شمشیر یا چاقو یا خنجر و یا وسایلی که شکار را سوراخ میکند مثل نیزه و تبر و خدنگ است .

پس با سیخ و خار و سوزن و گرز و امثال ان نمیشود شکار کرد مگر به وسیله اینها شکار را مجروح نماید سپس با چاقو سر حیوان را ذبح کند

شرایط حلال شدن شکار به وسیله شکار با اسلحه:

۱) شکارچی مسلمان باشد

۲) در وقت بکار بردن اسلحه نام خدا را ذکر کند

۳) اسلحه را بخاطر شکار ببرد پس اگر اسلحه را بطرف دشمن بیاندازد و به فهو بخورد حلال نمیشود

۴) وسیله شکار در کشتن شکار مستقل باشد پس اگر اسلحه به شکار بخورد ولی به واسطه به واسطه افتادن از کوه بمیرد حلال نمیشود.

ب) شکار با سگ شکاری:

حلال نمیشود صید مگر به این وسیله سگ شکاری تعلیم یافته صید شونده حیوان دیگری پس شکار به وسیله یوزپلنگ و پلنگ و پرنده های درنده مثل قوش شکاری و عقاب و باز و صید را حلال نمی نماید.

شرایط حلال شدن صید بواسطه شکار با سگ تعلیم یافته:

۱) سگ را برای شکار روانه نماید پس اگر بدون فرستادن او خودش برای صید برود حلال نمیشود.

۲) کسی که سگ را برای شکار میفرستد باید مسلمان باشد پس اگر کافری سگ را برای شکار بفرستد صید حلال نمیشود.

۳) در وقت فرستادن او نام خدا را ذکر کند.

۴) مردن شکار به وسیله جراحت یا گاز سگ باشد پس اگر صید به سبب دیگری مثل خفگی یا خستگی و... بمیرد حلال نمیشود.

۵) صاحب سگ وقتی سگ را فرستاد و سگ شکار را صید نمود در حال زنده بودن صید صاحب سگ نرسد پس اگر برسد و صید هنوز زنده باشد باید فوراً ان را ذبح کند.

صید ماهی:

صید شرعی ماهی به بیرون آوردن آن به طور زنده از آب است چه به وسیله دست باشد و چه به وسیله تور و امثال آن و ذکر خدا در هنگام صید شرط نیست پس اگر کافر آن را بیرون آورد و بعد از گرفتن بمیرد حلال است.

ذبح حیوانات حلال گوشت:

ذبح شرعی:

ذبح شرعی شرایطی دارد:

الف) ذبح کننده مسلمان باشد.

ب) نام خدا را بگوید.

ج) رو به قبله باشد پس زن و بچه هم میتوانند ذبح شرعی را انجام دهند.

وسایله ذبح:

ذبح با وسایله غیر آهنی در صورت اختیار جایز نیست اگر چه از فلزاتی مثل برنج یا مس و طلا و ... باشد.

محل ذبح:

گوسفند و گاو در زیر بر آمدگی گلو

۴رگ شامل نای و مری و دو رگ دیگر دارند که باید موقع ذبح این ۴رگ کاملاً قطع شوند و باید گلو را از جلو ذبح کند نه پشت گردن.

محل ذبح شتر:

برای ذبح شتر باید وسیله ذبح را در حفره ای که میان اصل گردن و سینه است فرو برند و شتر در هر حالتی که باشد بشرط اینکه از قبله منحرف شود می توان آن را ذبح نمود.

۴ چیز از حیوان حلال گوشت حرام است:

خون / سرگین / سپرز یا طحال / الت تولید مثل نر /

قسمت خارجی و داخل اندام تناسلی ماده / دنبلان / مثانه / مثانه / کیسه صفرا /
نخاع / غده ها یا دشول / رحم / پی گردن / غده هیپوفیز / حدقه چشم

خوردنیهای حلال و حرام (از حیوانات):

۱) غذاهای دریایی:

الف) از میان حیوانات دریا تنها ماهی و برخی از پرندگان دریایی خوردنی هستند و سایر حیوانات دریا حتی اسب و گاو دریایی حرامند.

ب) از میان ماهیها تنها ماهیانی که در اصل دارای پولک و فلس میباشند خوردنی بوده و هر چند فلس آن ریخته و یا در اثر عوارضی از بین رفته باشد مانند ماهی کنعت که خود را به هر چیزی میزند و در نتیجه فلس او میریزد ولی اگر به زیر گوشش توجه کنید فلس دارد.

ج) همه نوع ماهی های فلس دار حلال بوده و فرقی نیست میان کوچک و بزرگ یا نر یا ماده مثل ماهی کپور یا کفش ماهی و ماهی ریش دار و ماهی سفید و ماهی پرنده و همه ماهی های غیر فلس دار حرام میباشند مانند مار ماهی و...

۲) از میان حیوانات اهلی خوردن گوشت همه انواع گوسفند و گاو و شتر حلال و اسب و قاطر و الاغ مکروه است و سایر حیوانات اهلی مانند سگ و گربه و... حرامند و کلیه حیوانات وحشی و درندگانی که دارای صفات زیر هستند حرام گوشت می باشند.

درنده خویی/ دندانهای تیز/ چنگالها و ناخنهای تیز خواه نیرومند باشد
مثل شیر و یا ضعیف مثل روباه و همچنین گوشت خرگوش حرام است.

۳) کلیه حشرات و حیوانات صحرایی و زیر دریایی مثل مار / موش / سوسمار / جوحه تیغی / سوسک / پشه / و ... حرام گوشتند.

۴) گوشت انواع پرندگان زیر حلال است :

کبوتر و قمری / اردک / کبوتر چاهی / قرقاول / کبک / مرغ قطا / باقرقره / مرغابی /
پرندۀ خوش صدا / هوبره / درنا / انواع مرغ و خروس انواع گنجشک از قبیل بلبل
سار چکاوک حلال است

هدهد و پرستو و چلچله و زاغ سبزک و و کلاغ سبز جز پرندگانی هستند که
خوردن آنها مکروه است ولی حرام نیست .

پرندگان حرام گوشت:

خفاش / ظاووس و پرندگانی که دارای چنگالند خواه قوی باشند مثل:
باز عقاب شاهین قرقی و خواه ضعیف مثل لاشخور کرکس و همچنین انواع
کلاغها حرام گوشت هستند.

راه شناخت پرندۀ حلال گوشت با حرام گوشت ۲ چیز است:

- ۱) پرندۀ حلال گوشت بال زدنش بیشتر از روی هوا ماندنش است.
- ۲) اگر سنگدان و چینۀ دان و با تیغی پشت پای پرندۀ بنام صیصه در پرندۀ ای
بود آن پرندۀ حلال گوشت می باشد.

خوردن هر چیزی که به بدن ضرر میرساند حرام است چه موجب هلاکت باشد
مثل خوردن سمهای کشنده و چه به اینکه زن حامله چیزی را بخورد که موجب

سقط جنین شود و یا انسان چیزی را بخورد که موجب انحراف مزاج یا ازکار افتادن بعضی از حسهای ظاهری یا باطنی یا موجب فقدان بعضی از نیروها باشد مثلاً مردی چیزی بیاشامد که قوه جنسی و تناسلی را قطع نماید یا زن چیزی بیاشامد که عقیم گردد. خوردن شراب به ضرورت دین حرام است و هر مست کننده ای چه جامد باشد چه مایع از نظر حرمت مثل شراب است و اگر شراب تبدیل به سرکه شود حلال است .

همچنین ابجو که به آن فقاع میگویند چه مست کننده باشد و چه نباشد حرام است .
اب انگور در صورتی که جوش بیاید حرام است مگر اینکه انقدر جوش بخورد که دوسوم آن تبخیر شود که یک سوم باقیمانده حلال است .

مستحبات غذا خوردن:

اول هر دو دست را قبل از غذا بشوید بعد از غذا دست خود را بشوید و با دستمال پاک کند./

میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کرده و بعد از همه دست بکشد./

در اول غذا بسم الله بگوید ولی اگر سر سفره چند جور غذا باشد در وقت خوردن بر کدام انها گفتن بسم الله مستحب است./

با دست راست غذا بخورد با ۳ انگشت یا بیشتر غذا بخورد./

اگر چند نفر سر یک سفره نشستند هر کسی از غذای جلو خودش خورد لقمه را کوچک بردارد./

سرسفره زیاد بنشینند و غذا خوردن را ادامه بدهد./

غذا را خوب بجود./

بعد از غذا خداوند متعال را شکر بگوید./

انگشتها را بلیسد./

بعد از غذا خلال کند ولی با چوب انار و ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند./

انچه بیرون سفره میریزد جمع کند و بخورد./

بین روز و بین شب غذا نخورد./

بعد از غذا خوردن به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بگذارد./

در اول و اخر ان نمک بخورد میوه را پیش از خوردن با اب بشوید./

نجاسات:

نجاسات ۱۱ چیز است:

بول/ منی/ غائط/ مردار/ خون /

سگ/ خوک/ کافر/ شراب / فقاغ

/ عرق شتر نجاستخوار

۱ و ۲) بول و غائط:

بول و غائط انسان و و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ ان ببرند خون ان جستن میکند نجس است.

ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است.

۳) منی:

منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است. همچنین منی انسان در هر سنی که باشد نجس است.

۴) مردار:

مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است. و ماهی چون خون جهنده ندارد اگر چه در اب بمیرد پاک است.

۵) خون:

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است

۶ و ۷) سگ و خوک:

سگ و خوکی که در خشکی زندگی میکنند حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

۸) کافر:

کافر یعنی کسی که منکر خدا است یا برای خدا شریک قرار میدهد یا پیامبر را قبول ندارد نجس است و نیز کسیکه یکی یکی از احکام ضروری اسلام مثل نماز و روزه را انکار و قبول نداشته باشد کافر است .

تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است.

۹) شراب:

شراب و هر چیزی که انسان را مست کند نجس است. اب انگور در صورتی که جوش بیاید حرام است مگر اینکه انقدر جوش بخورد که دوسوم آن تبخیر شود که یک سوم باقیمانده حلال است.

۱۰) فقاع:

ابجو نجی و حرام است ولی ماءالشعیر حلال است.

۱۱) عرق شتر نجاستخوار:

شتری که عادت به خوردن نجاست دارد اگر عرق کند عرقش نجس است.

مطهرات (پاک کننده ها):

۱۰ چیز نجاسات را پاک میکند:

اب/ زمین/ افتاب/ استحاله/ انتقال/ اسلام/ تبعیت

/ برطرف شدن عین نجاسات / استبراء حیوان نجاستخوار / غایب شدن مسلمان

۱) اب:

ظرف نجس با اب قلیل ۳ مرتبه و در اب کر و جاری ۱ مرتبه پاک میشود و دیگر نجاسات نسز حداقل ۲ بار با اب قلیل و ۱ بار با اب کر و جاری پاک میشود .

فقط ظرفی را به واسطه سگ نجس شده باید اول خاک مالی و سپس با اب قلیل ۲ بار شست و ظرفی که توسط خوک نجس شده با اب قلیل ۷ بار باید شست .

(۲) زمین:

زمین با ۳ شرط کف پا و ته کفش نجس را پاک میکند.

اول آنکه زمین پاک باشد

دوم آنکه خشک باشد

سوم اثر نجاست به واسطه راه رفتن از بین برود.

(۳) افتاب:

افتاب با شرایطی زمین و ساختمان و چیزهایی را که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده پاک میکند.

(۴) استحاله:

اگر جنس نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی در اید پاک میشود
مثلا چوب نجس بسوزد و خاکستر شود

(۵) انتقال:

اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که جهنده دارد به بدن حیوانی که جهنده ندارد
مثل پشه برود و خون آن حیوان حساب شود پاک میگردد.

۶) اسلام:

اگر کافر شهادتین بگوید و مسلمان شود پاک می‌گردد.

۷) تبعیت:

ان است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود مثلا اگر شراب سرکه شود ظرف ان هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به انجا رسیده پاک میشود.

۸) برطرف شدن عین نجاسات:

اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون الوده شود چنانچه اثر ان برطرف شود بدن ان حیوان پاک می‌گردد.

۹) استبراء حیوان نجاستخوار:

چنانچه بول و غائط و گوشت حیوان حلال گوشت که به خوردن نجاسات عادت کرده بخواهند پاک شود باید تا مدتی معین نگذارند که ان حیوان نجاست بخورد مثلا گوسفند نجاستخوار باید ۱۰ روز فقط غذای پاک بخورد تا بول و غائط و گوشت او پاک شود.

۱۰) غایب شدن مسلمان:

اگر لباس یا چیز دیگری مثل ظرف و فرش مسلمان نجس شود و آن مسلمان غایب شود مثلاً به مسافرت برود آن چیز با شرایطی پاک می باشد.

غسلهای واجب:

غسلهای واجب ۷ تا است:

جنابت/ حیض/نفاس / استحاضه / مس میت / میت /

و غسلی که به واسطه نذرو قسم واجب میشود.

چیزهایی که بر جنب حرام است:

چند چیز بر جنب حرام است:

رساندن جایی از بدن به خط قران یا به اسم خدا و اسامی پیامبران و امامان

رفتن به مسجدالحرام و مسجد پیامبر

توقف در مساجد

خواندن سوره ای که سجده واجب دارد که ۴ سوره قران است:

۱/الم تنزیل ۲/والنجم ۳/ اقرء ۴/حم سجده

غسل مس میت:

اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند مس کند یعنی جایی از بدن خود را به ان برساند باید غسل مس میت نماید.

غسل میت:

واجب است مرده را ۳ غسل دهند:

اول با ابی که با سدر مخلوط شده دوم به ابی که با کافور مخلوط شده سوم با اب خالص

و چنانچه به دلایلی دسترسی به سدر و کافور نبود به جای هر کدام یکبار غسل با اب خالص انجام بدهند.

معاملات باطل:

این معاملات باطل است: خرید و فروش مسکرات (مست کننده ها) و عین نجس

خرید و فروش مال غصبی

معامله آلات قمار و موسیقی حرام

معامله ای که در آن ربا باشد

غش در معامله یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است/

خریدار بخواهد پول جنس را بعد از حرام بدهد/

خریدن چیزی که از قمار یا دزدی یا از معامله باطل باشد که باید به صاحب

اصایش برگرداند/

فروختن جنسی که با پیمانه میفروشند به زیادت از همان جنس مثلا یک من گندم را

به یک من نیم گندم بفروشد که ربا و حرام است ./

از کافر ربا گرفتن اشکال ندارد و

پدر و فرزندان و زن و شوهر میتوانند از یکدیگر ربا بگیرند/

ازدواج در اسلام:

پیامبر اسلام درباره ازدواج فرمود:
چیزی که محبوبتر باشد در نزد خداوند از ازدواج در اسلام بنا نشده است.

و امام صادق فرمود:

دو رکعت نمازی که ادم همسر دار بخواند بهتر از ۷۰ رکعت نماز ادم مجرد است

و پیامبر فرمود:

کسیکه از ترس فقر و تنگدستی و نداشتن روزی ازدواج نکند در حقیقت به خدا
سوءضن دارد (زیرا خدا رازق است)

زن شایسته از نظر پیامبر زنی است که:

بچه زا باشد/

دوستدار شوهر باشد/

عفیف و پاکدامن باشد/

در میان خانواده خود عزیز باشد/

نسبت به شوهرش متواضع باشد/

برای همسرش زینت کند/

حرف شنوی از شوهر داشته باشد/

همسر ناشایست از نظر پیامبر زنی است که:

در میان خانواده خود خوار و بی مقدار است/

پرتوقع نسبت به شوهر/

کینه جو و حسود/

برای دیگران ارایش کند/

بی تقوی نسبت به گناهان/

از شوهرش اطاعت نکند/

از شوهرش در خلوت بگریزد/

عذر شوهر را نپذیرد/

شوهر ناشایست در روایات:

مرد بد اخلاق مرد زن صفت و نامرد/

مرد فاسق/

مرد مشروب خوار/

شرایط عقد ازدواج دائم:

- الف) رضایت طرفین
- ب) رضایت پدر دختر
- ج) عربی بودن صیغه عقد
- د) توافق بر سر مهریه
- ذ) مسلمان بودن زن و مرد

محارم:

محارم ۳ دسته هستند:
نسبی / رضاعی / سببی

محارم نسبی: این افراد بر زنها محرمند:

پدر . پدربزرگ . پسر و نوادگان پسر . برادر . پسر خواهر . نوادگان خواهر .
عموی پدر و مادر . دایی پدر و مادر . عمو . دایی . پسر برادر و نوادگان او .

و این افراد بر مردها محرمند:

مادر . مادربزرگ . دختر . نوه های دختر . خواهر . دختر خواهر . نوادگان خواهر .
دختر برادر . نوادگان برادر . عمه پدر و مادر . خاله پدر و مادر . عمه . خاله

محارم رضاعی:

چنانچه بچه کمتر از ۲ سال از زنی غیر از مادرش شیر بخورد با شرایطی بچه به آن زن و وابستگان او محرم میشود که به آن محرمیت رضاعی (شیری) میگویند

شرایط محرمیت رضاعی:

- الف) شیر مارد از راه امیزش حلال باشد.
- ب) کودک شیر مادر را از پستان بمکد.
- ج) کودک کمتر از دو سال قمری باشد
- د) یکشبانہ پشت سر هم و یا ۱۵ بار کامل پشت سر هم شیر بخورد.

افرادی که به واسطه شیر خوردن بچه به کودک شیر خورده محرم می شوند:

زن شیردهنده / شوهر زن شیردهنده / پدر و پدر شوهر شیردهنده /

مادر و مادر شوهر زن شیردهنده / فرزندان زن شیردهنده /

نوه های زن شیردهنده / و هر چه پایین روند

عمه دایی خاله و عموی شوهر آن زن...

محارم سببی:

اشخاصی به واسطه ازدواج محرم میشوند که به آنها محارم سببی میگویند.

اشخاصی که در محارم سببی به زن محرم میشوند:

پدر و پدر بزرگ شوهر / پسر شوهر / شوهر مادر / شوهر دختر

اشخاصی که در محارم سببی به مرد محرم میشوند:

مادر و مادر بزرگ زن / دختر زن و نوه هایش / زن پدر / زن پسر

ازدواج موقت:

غیر از ازدواج دائم نوع دیگری ازدواج در اسلام است بنام ازدواج موقت که معمولاً اشخاصی از آن استفاده میکنند که توانایی ازدواج دائم نداشته لذا جهت جلوگیری از هر نوع انحرافی از این رابطه حلال اسلامی استفاده میکنند.

در ازدواج موقت مدت ازدواج شرط میشود و وقتی که مدت آن تمام شد عقد آن خود به خود باطل است .

در عقد ازدواج موقت نفقه به زن تعلق نمیگیرد و اگر بچه ای متولد شد به مرد تعلق دارد و زن و مرد میتوانند قبل از صیغه شرط کنند که تماس جنسی آنها محدود باشد مثلاً مقاربتی صورت نگیرد و بعداً اگر هر دو راضی باشند این شرط را لغو کنند...

عیب‌هایی که میتوان به واسطه ان ازدواج را بهم زد:

عیب‌هایی که اگر در زن باشد مرد میتواند بدون طلاق از او جدا شود چند چیز است:

الف) جذام

ب) پیسی

ج) قرن (استخوانی در فرج باشد)

د) افضاء (مخرج بول با حیض یکی باشد)

ذ) شل بودن بطور اشکار

ه) نابینایی

و) دیوانه بودن

عیب‌هایی که اگر در مرد باشد زن میتواند بدون طلاق از او جدا شود چند چیز

است:

الف) خواجه بودن

ب) قطع الت تناسلی

ج) عنین بودن

د) دیوانه بودن

حقوق زن بر مرد:

- الف) زن باید در امور زناشویی تمکین داشته باشد
- ب) بدون اجازه شوهر از منزل هر چند برای دیدار خانواده اش خارج نشود
- ج) بدون اجازه شوهر نمیتواند صدقه بدهد و یا بخشش و نذر بکند

حقوق زن بر مرد:

- الف) وسایل خوراک و پوشاک زنش را فراهم کند
- ب) نسبت به کارهای همسرش که ندانسته انجام میدهد گذشت داشته باشد
- ج) با خوشرویی با او برخورد کند
- د) شبها وی را رها نسازد
- ذ) حداقل در هر ۴ ماه یکبار ملزم به امیزش با وی است.

احکام ولادت:

مستحب است بچه را غسل ولادت بدهند و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگویند.

و بهترین نامها را برای او بگذارند و در روز هفتم موی سر او را تراشیده و هم وزن مویش طلا یا نقره به مستمندان صدقه بدهند.

در هنگام ولادت و ختنه مستحب است که ولیمه بدهند..

مخصوصا ولیمه ولادت که بسیار مستحب و در دور کردن بلا از کودک موثر است.

ولیمه باید از گوشت گوسفند یا گاو و شتر باشد و صدقه دادن پول ان جای ولیمه را نمیگیر گوشت ولیمه (عقیقه) را میشود به صورت گوشت خام و یا پخته شده تقسیم نمود.

سرپرستی بچه در صورت جدایی زنو شوهر و یا فوت به این صورت است که پسر تا ۲سالگی و دختر تا ۷سالگی به عهده مادر است مگر مادر تمایلی برای سرپرستی نداشته باشد و چنانچه پدر و مادر بمیرند سرپرستی بچه به پدر و اگر نبود وصی پدر و و نزدیکان کودک به ترتیب ارث حضانت کودک را بعهده میگیرند و فرزند بعد از رسیدن به سن بلوغ حتی با وجود پدر و مادر حق سرپرستی تمام سده و خود اختیار را دارد

احکام طلاق

اقسام طلاق:

طلاق رجعی / طلاق بائن یا طلاق بدون عده که ۵ نوع است:

طلاق قبل امیزش / طلاق / طلاق زن یائسه / طلاق خلع / طلاق مبارات /

طلاق دختری که به سن ۹ سال نرسیده.

۱) طلاق رجعی:

بین زن و مرد واقع میشود که مرد از زن اکراه دارد و با عدم رضایت زن او را طلاق میدهد که در این صورت حقوق زن را باید پرداخته و زن بمدت ۳ ماه اگر حامله نباشد عده نگه می دارد که در این مدت مرد میتواند رجوع کرده و همسرش بدون عقد مجدد به او حلال میشود

۲) طلاق قبل امیزش:

چنانچه مردی زنش را قبل از امیزش طلاق داد باید نصف مهریه را بپردازد و زن عده ندارد.

۳) طلاق دختری که سن ۹ سال نرسیده:

چنانچه مردی با دختری که به سن ۹ سال نرسیده ازدواج کرد و بعد از نزدیکی او را طلاق داد ان زن عده نداشته و میتواند فوری شوهر کند.

۴) طلاق زن یائسه:

چنانچه زنی که یائسه است یعنی اگر سیده است سن او به ۶۰ رسیده و اگر غیر سیده باشد سن او به ۵۰ رسیده طلاق داده شود عده ندارد.

طلاق خلع: طلاق خلع زمانیست که زن از شوهر بسیار نفرت دارد که شوهر قبول میکند به شرطی او را طلاق دهد که مثلا مهریش را ببخشد .

که در صورت واقع شدن این نوع طلاق مرد حق رجوع ندارد و فقط زن مدت عده میتواند به مهریه خود رجوع کند که دوباره بهم حلال میشوند.

۶) طلاق مبارات: زمانیست که زن و هم مرد از همدیگر کراهت و نفرت دارند و زن مالی که از مهریه بیشتر نیست به شوهر میبخشد تا شوهرش او را طلاق دهد

شرایط طلاق:

۱) پاک بودن زن از خون حیض و نفاس

۲) حضور دو نفر شاهد عادل

۳) اجرای صیغه طلاق

عده زن شوهر مرده:

زنی که شوهرش مرده اگر ابستن نباشد باید تا ۴ ماه و ۱۰ روز عده نگه دارد یعنی از شوهر کردن خودداری نماید و چنانچه ابستنی او از ۴ ماه و ۱۰ روز گذشت باید تا موقع زایمان عده نگه دارد

زنی که در عده بمیرد حرام است که لباس رنگارنگ بپوشد و سرمه بکشد و زینت کند .

زن میتواند در صیغه عقد شرط کند که از طرف شوهرش وکیل باشد که هر زمان خواست از طرف شوهرش خود را طلاق دهد و اگر مرد این شرط را قبول کرد بعد از ازدواج زن هر زمان که بخواهد خود را طلاق دهد.

عده طلاق در زنان غیر حامله ازدواج موقت ۲ ماه برای زنانی که صاحب عادت هستند و ۴۵ روز برای زنانی که عادت نمیباشند است.

ارث:

از نظر اسلام شخصی که از دنیا می رود اشخاصی با اولویت زیر از او ارث میبرند:

۱) همسر/پدر/ مادر/فرزند/ و هرچه پایینتر برود تا شخصی از این طبقه وجود داشته باشد به طبقه دیگر ارث نمیرسد

۲) همسر / برادر / خواهر/ پدربزرگ/ مادربزرگ که شخصی از این طبقه زنده باشد به طبقه بعدی ارث نمیرسد.

۳) همسر / خاله / عمو / عمه / دایی که در صورت نبود یکنفر از طبقه سوم به فرزندان ارث میرسد.

اگر مردی از دنیا برود و همسر و فرزندان داشته باشد به همسرش یک هشتم از غیر منقول(ساختمان نه زمین ان) و اموال منقول میرسد.

و اگر فرزند نداشته باشد یک چهارم ارث به او میرسد و چنانچه مردی چند زن داشته باشد همین نسبت بین همسران تقسیم میشود.

اگر مردی زنش از دنیا برود چنانچه بچه داشته باشد از آن زن یک چهارم و اگر بچه نداشته باشد یک دوم ارث میبرد.

حدود:

در اسلام بعضی از گناهانی که موجب فساد و تباهی در جامعه اسلامی میشود .

حد یعنی مجازات مشخص در نظر گرفته شده .

حد اقساطی دارد:

اول: قتل برای کسیکه:

الف) با محارم خود مثل مادر خواهر و ... زنا کرده باشد

ب) کسیکه بزور با زنی که در حالیکه ان زن راضی نبوده زنا کند

ج) کسیکه لواط کند

د) کسیکه به پیامبر و امامان ناسزا بگوید

دوم: رجم شامل کسانی است که :

الف) مرد زنداری که با زنی زنا کند

ب) زن شوهرداری که با مردب زنا کند.

سوم: شلاق و تازیانه :

الف) ۱۰۰ ضربه برای زن و مرد مجردی که زنا بکنند.

ب) برای کسیکه دیگری را متهم به زنا یا لواط کند در حالیکه نتواند ثابت کند که

۸۰ ضربه حد ان میباشد.

ج) برای کسیکه شراب و یا مسکرات بخورد ۸۰ ضربه شلاق میباشد.

دیات: دیه مالیست که در مقابل جراحت و یا جنایت که به انسان وارد میشود باید پرداخت.

۱) دیه قتل:

قتل یا محض یا شبیه عمد یا خطای محض است :

اگر قتل عمد باشد صاحب خون اختیار دارد که قصاص کند و یا دیه و بیشتر از دیه بگیرد که دیه آن ۱۰۰ اشتر یا ۲۰۰ گاو و یا ۱۰۰۰ گوسفند یا ۱۰۰۰ دینار یا ۱۰۰۰۰ درهم و یا ۲۰۰ حله یمنی باشد و در زن نصف هر یک از این اقسام میباشد و دیه شبیه عمد و یا خطای محض همین اقسام ششگانه میباشد.

۲) دیه موی سر:

در موی سر مرد یا زن بزرگ باشد یا کوچک پرپشت یا کم پشت در صورتی که دیگر نروید دیه کامل است کما اینکه اب داغی را روی موی سر او بریزد که مویش ریخته شود و دیگر نروید و در موی دو ابرو باهم ۵۰۰ دینار و در هر یک ۲۵۰ دینار دیه میباشد و در موی دیگر اعضا باید قاضی مقدار آن را مشخص کند.

۳) دو چشم:

اگر کسی دو چشم شخصی را کور کند دیه کامل و اگر یک چشم او را کور کند دیه نصف است.

۴) بینی:

اگر بینی شخصی را قطع کند دیه کامل است.

۵) گوش:

اگر دو گوش کسی را قطع کند دیه کامل است و قطع تمام هر یک از آنها دیه نصف است.

۶) دلب:

در دو لب دیه کامل است. هر یک از آنها دیه نصف است.

۷) زبان:

در زبان سالم اگر تمام قطع شود دیه کامل است و در شخص لال دیه ثلث است.

۸) دندانها:

در دندانها دیه کامل است و در دندانهای ثنایا و دو رباعی و هر دو نیش از بالا و پایین هر کدام ۵۰ دینار و در دندانهای عقب شامل دندانهای ضحک و دندانهای آسیاب هر کدام ۲۵ دینار دیه است و دندانهای عقل دیه ندارد.

۹) گردن:

گردن اگر شکسته شود دیه کامل است.

۱۰) در استخوان دو طرف پایین صورت:

اگر هر دو کنده شود دیه کامل است.

۱۱) دودست:

دیه کامل است و در هر یک اگر قطع شود نصف دیه است.

۱۲) انگشتهای:

در انگشتهای دو دست دیه کامل و در انگشتهای پا در هر انگشت یک دهم دیه است.

۱۳) کمر:

در شکستن کمر در صورتیکه با علاج و شکسته بندی خوب نشود دیه کامل است.

۱۴) نخاع:

در قطع نخاع دیه کامل است.

۱۵) پستانها:

در زن ديه كامل است. و در هر يك نصف ديه و در دو پستان مرد يك چهارم ديه است.

۱۶) ذكر:

در قطع ذكر و حشفه و بيشتتر از ان ديه كامل است. و در دو خصيه مرد ديه كامل است. و در هر يك نصف ديه و در دو حشفه زن ديه كامل است. و در اليه (باسن) ديه كامل است.

۱۷) دوپيا:

ديه كامل است. و در هر يك نصف ديه است.

۱۸) دنده ها:

در دنده های نزديك قلب هر کدام ۲۵ دينار و در دنده هایی که که در اطراف قلب نيستند ۱۰ دينار ديه است.

۱۹) ترقوه:

در هر ترقوه ديه كامل است. و در هر يك اگر خوب نشود نصف ديه است.

۲۰) عقل:

اگر جنایت منجر به زوال عقل شود دیه کامل است.

۲۱) جنین:

اگر زن عمدا جنین خود را سقط کند و یا شوهر زن را وادار کند جنین را سقط و یا کسی دیگر در سقط جنین دخالت داشته باشد دیه بر عهده او میباشد.

و جنین اگر روح در او دمیده شده باشد دیه کامل است. و اگر گوشت او را پوشانده باشد و خلقتش کامل ۱۰۰ دینار است چه دختر و چه پسر باشد و اگر گوشت او را نپوشانده باشد و استخوان باشد ۸۰ دینار و در گوشت بسته شده ۶۰ و در استخوان بسته شده ۴۰ و در نطفه اگر در رحم مستتر باشد ۲۰ دینار چه دختر و چه پسر باشد.

۲۲) قطع اعضای مرده:

اگر کسی سر مرده مسلمانی را قطع کند ۱۰۰ دینار و در قطع یک دست او ۵۰ دینار و در قطع دو دست او ۱۰۰ دینار و در قطع انگشت او ۱۰ دینار است که باید این دیه در وجوه خیر برای میت صرف شود و برای ورثه میت نیست.